

نهضت ملی مسکن، طرحی که با وعده خانه‌دار شدن مردم آغاز شد اما در قالب پروژه‌هایی نیمه کاره متوقف ماند

# نه خانه‌ای، نه پاسخی؛ فقط سکوت

بسیاری از پروژه‌های مسکن در سال سوم همچنان در مراحل ابتدایی هستند **صفحه ۲**

بررسی تطبیقی نحوه نگهداری و حفاظت اسناد ملی و میراث مکتوب ایران و انگلستان

## نجات اسناد از دل فناوری

دیجیتال‌سازی اسناد تاریخی باعث تسهیل دسترسی پژوهشگران و حفظ بهتر اسناد شده است

**صفحه ۶**

## رقابت نهادهای برای تصاحب فرماندهی بازار رمزارزها

اختلاف بانک مرکزی و وزارت ارتباطات در تنظیم‌گری رمزارزها، بازار دیجیتال ایران را در بلاتکلیفی و سردرگمی فرو برده است

**صفحه ۸**

## آینده سبز در ایران هنوز خاکستری است

- بازده پایین پنل‌های خورشیدی باعث کاهش بهره‌وری تولید برق در ایران شده است
- هزینه‌های سنگین نصب نیروگاه‌ها، سرمایه‌گذاران را از ادامه کار منصرف می‌کند

**صفحه ۱۰**



گفت‌وگو با زهرا خواجوی دروازه‌بان تیم ملی که از مصدومیت سنگین برگشت

## خدا به من زندگی دوباره بخشید

صفحه ۱۱



بررسی تاثیر متقابل مد و تحولات اجتماعی بر نگرش‌های اجتماعی زنان

## پاهادروغ نمی‌گویند، کفش‌ها شخصیت‌تان را فریاد می‌زند

ویکتوریا بکهام: من با کفش‌های تخت تمرکز کم‌ر از دست می‌دهم

صفحه ۵

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی که زمانی تکیه‌گاه مالی خانواده‌ها بودند، حالا زیر بار تورم و بی‌اعتمادی فروپاشیده‌اند

## رسم قشنگی که زیر آوار تورم دفن شد

صندوق‌های خانگی دیگر توان پرداخت وام مؤثر را ندارند

صفحه ۲

راز قتل مادر گمشده با اعتراف جوانی که چک بی‌محل کشیده بود بر ملا شد

## یک روز زندگی با جسد زن طلبکار

متهم بعد از افشای حقیقت محل اختای جسد را به پلیس نشان داد

صفحه ۷



## یقین؛ دخترکی که لبخندش از زیر آوار بیرون زد

یقین حماد، یازده‌ساله و کوچک‌ترین اینفلوئنسر غزه، با لبخند و امیدش الهام‌بخش هزاران کودک بود اما جنگ بی‌رحمانه، او را از جهان گرفت

صفحه ۱۲

## چالش «۱۰۰۱»؛ بازآفرینی یا سایه‌نشینی؟

روایت



محمد کلهر روزنامه‌نگار

شبکه نسیم پس از افسول دو غول سرگرمی محورش «خندوانه» و «دورهمی»، در جست‌وجوی برنامه‌ای بود که بتواند مخاطبان را به آنتن بازگرداند. اینگونه شد که جرقه «شب‌های جناب‌خان» زده شد و پس از پختگی و در مرحله اجرا به «۱۰۰۱» تغییر نام داد. این نام برای برخی مخاطبان یادآور جادوی اعداد و مفهوم صفر و یک در کامپیوتر، ضرب‌المثل به هزار و یک دلیل، قصه‌های هزار و یک شب و برای برخی دیگر هم یادآور چشم‌های جناب‌خان است. در کنار جناب‌خان که با صدایش محمد بحرانی شخصیت عروسکی محبوبی به شمار می‌رود، محسن کیایی میزبانی و اجرای برنامه را بر عهده دارد؛ برنامه‌ای که شباهت‌های آشکارش به «خندوانه» و چالش هویتی مستقل، آن را در کانون نقدها قرار داده است. آیا «۱۰۰۱» که حالا حدود ۸۰ شب روی آنتن رفته است، می‌تواند راه خود را پیدا کند یا در سایه پیشینیانش محو خواهد شد؟

### شباهت یا تقلید؟

از دکور و ساختار گفت‌وگو محور گرفته تا حضور جناب‌خان، «۱۰۰۱» به وضوح از «خندوانه» الهام گرفته است. منتقدان این شباهت‌ها را نشانه کپی‌برداری می‌دانند و تأکید شبکه نسیم بر محوریت اعداد را کم‌فروغ و ظاهری توصیف کرده‌اند. رامبد جوان، خالق «خندوانه» البته این شباهت‌ها را طبیعی خواند و گفت: «تیم حرفه‌ای «۱۰۰۱» از جمله محمد بحرانی، از فرمول موفق «خندوانه» بهره برده و این امری پذیرفتنی است.» با این حال، سعید زعمی، کارشناس رسانه، «۱۰۰۱» را برنامه‌ای خلاق با هویت مستقل می‌داند، دیدگاهی که با برخی نقدها و دیگر تحلیلگران همخوان نیست. این دوگانگی، پرسش اصلی را بر جسته می‌کند: آیا «۱۰۰۱» می‌تواند از سایه «خندوانه» خارج شود؟ ناگفته نماند کاربری در شبکه اجتماعی X مدعی شده بود که شبکه نسیم به رامبد جوان گفته بوده که برنامه را بسازد، اما او تمایلی نداشته است و با اینکه تلویزیون مالک برند خندوانه است، برای احترام به رامبد، برنامه جدید را با همان نام بالا آورده تا اگر روزی خواست، خودش دوباره بسازد.

### محسن کیایی، صمیمی‌اما در حال آزمون

محسن کیایی با تکیه بر صمیمیت و طنز طبیعی، فضایی گرم در «۱۰۰۱» خلق کرده و از اجراهای اغراق‌آمیز برهیز داشته است. این ویژگی به جلب مخاطب کمک کرده، اما ضعف در مدیریت گفت‌وگوها و نبود ساختار منسجم، او را از سطح مجربانی همچون رامبد جوان پایین‌تر نگه داشته است. محسن کیایی استعداد رامبد جوان در بداهه‌گویی و گفت‌وگو را ندارد، اما ملاحظاتی دارد و شاید با کسب تجربه بیشتر در اجرا بتواند به یک مجری حرفه‌ای بدل شود. به شرطی که ۱۰۰۱ مهارت‌های کیایی در هدایت برنامه را تقویت کند.

### جناب‌خان، کلیشه در کمین ستاره

جناب‌خان، با صدای پیشگی محمد بحرانی همچنان نقطه

## صدای افراط

افشین امیرساهی سردبیر

درباره آتش‌افروزی کلامی غلامرضا قاسمیان در میانه صلح شکننده تهران و ریاض

این حادثه را افکار عمومی به خاطر دارد. حمله‌ای که نه‌تنها باعث قطع روابط دیپلماتیک دو کشور شد، بلکه چندین سال هزینه‌های سیاسی و اقتصادی برای کشور در پی داشت. آیا قرار بود همان مسیر خطا دوباره احیا شود؟ فراموش نکنیم که هر ساله مسئولان کشور از حجاج ایرانی می‌خواهند که «نماینده‌ای شایسته» برای ایران باشند. اما آیا فردی که با لباس روحانیت و در پوشش مراسم حج، سخنانی سخیف بر زبان می‌آورد و دیگر کشورها را تکفیر و تحقیر می‌کند، می‌تواند نماینده‌ای شایسته برای ملت ایران باشد؟ از زاویه دیپلماتیک نیز این رفتار به‌شدت محکوم است. در سال‌های اخیر پس از واسطه‌گری چین، ایران و عربستان قدم‌های مهمی برای بهبود روابط برداشته‌اند. بازگشایی سفارت‌ها، دیدار وزرای خارج، توافق‌های اقتصادی و مذهبی و برنامه‌ریزی برای مناسبات گسترده‌تر، همگی نشانه‌هایی از تلاش برای ترمیم اعتماد از دست‌رفته بود. اما به نظر می‌رسد جریان‌هایی پنهان با رفتارهای رادیکال و غیرمسئولانه در پی برهم‌زدن این روند هستند.

چرا این جریان‌های تندرو، همواره در نقطه‌ای اوج روح و دیپلماتیک ایران با جهان اسلام، شروع به بحران‌سازی می‌کنند؟ چرا همیشه در زمان‌هایی که آرامش نسبی برقرار است، عده‌ای با رفتارهای ساختارشکنانه و تحریک‌آمیز، فضا را متشنج می‌کنند؟ آیا واقعا این افراد دغدغه دین و انقلاب دارند یا دغدغه دیده‌شدن و قدرت‌طلبی؟ آیا نقش آنها در تداوم تنش در منطقه نباید بررسی شود؟

غلامرضا قاسمیان نماینده بخشی از ساختاری است که با توهم «رسالت انقلابی» به خود اجازه می‌دهد منافع ملی را قربانی مناصت‌های گروهی و رقابت‌های درون‌جناحی کند. چرا چنین افرادی تا این اندازه رشد می‌کنند؟ چادر پست‌های مهمی قرار می‌گیرند؟ و هیچ نظارتی بر عملکرد آن‌ها وجود ندارد؟ چرا هیچ سازوکاری برای جلوگیری از تکرار این هزینه‌ها نیست؟ خوشبختانه در این مورد، مقامات کشور به‌موقع و هوشمندانه وارد عمل شدند. مسئولان وزارت خارجه، سازمان حج و زیارت و نهادهای امنیتی با واکنش سریع و مدیریت درست از تبدیل شدن این حادثه به یک بحران تمام‌عیار جلوگیری کردند. این مدیریت قابل تحسین است، اما کافی نیست. برخورد با معلول، بدون توجه به علت ما را دوباره در دور باطل تجربه‌های پر هزینه خواهد انداخت.

جامعه ایران دیگر تحمل تکرار اشتباهات گذشته را ندارد. دیگر هیچ مجوزی برای سوءاستفاده از تربیون‌های سیاسی در جهت منافع جناحی نباید وجود داشته باشد. رفتار قاسمیان و امثال او باید با نقد صریح و شفاف همراه باشد. نهادهای دینی، رسانه‌ها، نخبگان و حتی نهادهای سیاسی باید روشن کنند که خط قرمز منافع ملی است، نه منافع جناحی، سکوت در این گونه موارد قطعا نشانه مصلحت‌اندیشی نیست، بلکه نشانه ضعف است.

امروز اگر این رفتارها نقد و محکوم نشود، فردا این رادیکالیسم به شکل‌های شدیدتر و با هزینه‌های بیشتر تکرار خواهد شد.

فراموش نکنیم که سکوت در برابر رفتارهای افراطی راه را برای پروژه‌های مبهم آینده باز می‌گذارد.

افشین امیرساهی سردبیر

سخنان تند و ساختارشکنانه غلامرضا قاسمیان در موسم حج، نه‌تنها مناسک عبادی را آلوده به سیاست کرد، بلکه امنیت ملی و روابط دیپلماتیک ایران و عربستان را به بازی گرفت. آن هم درست در میانه روابط تازه و شکننده ایران و عربستان که باید مراقبت شود دوباره این روابط پیچیده دچار تنش و حاشیه نشود. از این زاویه باز داشت غلامرضا قاسمیان در خاک عربستان را می‌توان یک زنگ خطر مهم در نظر گرفت. زنگ خطر و هشدار که اگرچه در ظاهر از نسوی یک فرد و در قالب یک سخنرانی در حاشیه مراسم حج افتاده است، اما در واقع انعکاس یک بحران عمیق‌تر در ساختار سیاست‌ورزی ایران یعنی تندروی و هزینه‌تراشی برای کشور و نادیده گرفتن منافع ملی است.

غلامرضا قاسمیان چهره‌ای شناخته‌شده در میان جریان‌های خاص سیاسی به شمار می‌رود. او در حالی در عربستان بازداشت شد که به‌پیشینه مدیریتی قابل‌توجهی دارد. او رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی بود. او با چنین سابقه‌ای خود را آگاه به ظرایف سیاست، دیپلماسی و اقتضائات منطقه‌ای می‌دانست. اما سخنانی که در موسم حج از او منتشر شد، حیرت‌انگیز و نگران‌کننده بود. اظهاراتی پر خاشاک‌گرانه، ستیزه‌جویانه و بی‌ملاحظه علیه مقامات عربستان سعودی که نه‌تنها با شأن مراسم حج و رفتار مورد انتظار از زائر زائر مسلمان ناسازگار بود، بلکه در تضاد کامل با منافع ملی و سیاست خارجی ایران قرار داشت.

از این زاویه اگر سخنان قاسمیان را بررسی کنیم، نمی‌توانیم به کاری که او انجام داده خوشبین باشیم. درواقع حرف‌های قاسمیان صرفاً یک لغزش شخصی یا اشتباه کلامی نیست، بلکه نشانه‌ای است از عادی‌سازی یک رفتار پر هزینه در ساختار سیاسی ایران که برای کشور هزینه ایجاد می‌کند. رفتاری که می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیندازد. اینکه یک روحانی در خاک کشوری دیگر آن هم در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های دیپلماتیک یعنی موسم حج، به خود اجازه می‌دهد چنین تعابیر سخیف، تند و تحریک‌آمیزی علیه کشور میزبان به کار ببرد، یک کنش ساده نیست. بلکه یک حرکت حساب‌نشده است که می‌تواند آتش زیر خاکستر روابط ایران و عربستان را دوباره شعله‌ور کند.

در این میان پرسش‌های متعددی مطرح است. آیا او اجازه داشت چنین موضعی را در انتظار عمومی بیان کند؟ اگر نه، چرا و چگونه او به خود اجازه داد با چنین لحنی یک فصل حساس از دیپلماسی منطقه‌ای ایران را تخریب کند؟ قاسمیان نه‌تنها مرز میان «حج به‌مثابه عبادت» و «حج به‌مثابه ابزار ستیز سیاسی» را مخدوش کرد، بلکه نشان داد هنوز برای برخی افراد و گروه‌ها، منافع شخصی، دیده‌شدن و رادیکالیسم رسانه‌ای، مهم‌تر از منافع ملی و عقلانیت دیپلماتیک است.

تکرار این مدل رفتارها، مردم را به یاد حادثه تلخ حمله به سفارت عربستان در تهران در سال ۱۳۹۴ می‌اندازد. هنوز

## هشدار به روسیه تلنگری به آمریکا

اتحادیه اروپا در واکنش به تردیدها درباره تکیه بر آمریکا، بسته‌ای ۱۷۰ میلیارد دلاری برای تقویت توان دفاعی تصویب کرد

## زوج جنجالی الیزه

رابطه امانوئل و بریژیت مکر و ن همچنان منبع حاشیه برای کاخ الیزه است

صفحه ۳



تحلیل وضعیت استقلال در آستانه فینال جام حذفی در گفت‌وگو با مجید نامجو ستاره سابق آبی‌ها

## فینال، آخرین امید هواداران استقلال

استقلال باید با تمرکز بالا و تمام‌توانش مقابل ملوان قرار بگیرد و بر این تیم غلبه کند.

صفحه ۱۱

زاگرس در حال فروپاشی است؛ آتش‌سوزی‌ها، تغییرات اقلیم و فعالیت انسانی حیات جنگل‌های بلوط را تهدید می‌کنند

## بلوط‌های زاگرس خاطره می‌شوند

بیش از ۶۰ درصد جنگل‌های زاگرس از نظر تاج‌پوشش در وضعیت بحرانی قرار دارند

صفحه ۹



نمایشی به نام اکران مردمی!

## اکران مردمی با طعم مشّت باد دیگراد!

صفحه ۴



# هشدار به روسیه، تلنگری به آمریکا

اتحادیه اروپا در واکنش به تردیدها درباره تکیه بر آمریکا بسته‌ای ۱۷۰ میلیاردلاری برای تقویت توان دفاعی تصویب کرد



با تصویب رسمی برنامه‌ای به ارزش ۱۷۰ میلیارد دلار در قالب طرح «اقدام امنیتی برای اروپا» (SAFE)، اتحادیه اروپا نخستین گام بلند خود را برای بازسازی و تقویت زیرساخت‌های دفاعی‌اش برداشت. این طرح که روز ۲۷ مه با رأی مثبت ۲۶ کشور عضو اتحادیه نهایی شد، در نوع خود بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری نظامی مشترک تاریخ اروپا به‌شمار می‌رود و نشانه‌ای آشکار از تغییر فضای امنیتی و ژئوپلیتیکی قاره سبز است. طرح «اقدام امنیتی برای اروپا» قرار است کشورهای عضو را قادر سازد تا با دریافت وام‌هایی با نرخ رفاقتی، زیرساخت‌های دفاعی خود را توسعه داده و به تجهیزاتی همچون توپخانه، پهپاد، سامانه‌های دفاع سایبری و موشکی مجهز شوند. اما آنچه این تحول را به رخدادی بی‌سابقه بدل می‌کند، نه‌تنها حجم سرمایه‌گذاری، بلکه پیام سیاسی آشکاری است که در دل این طرح نهفته: اروپا در حال عبور تدریجی از سایه امنیتی آمریکاست؛ مسیری که با خروج بریتانیا از اتحادیه، جنگ اوکراین و بازگشت دونالد ترامپ به قدرت، شتاب گرفته است.

## امنیت در عصر بی‌اعتمادی

به‌نظر می‌رسد بازگشت ترامپ به کاخ سفید واحیای سیاست «اول آمریکا» او، به‌ویژه با احث تحقیر آمیزش نسبت به متحدان دیرینه غربی، شوکی راهبردی برای اروپا بوده است. از تهدید به

## بنگه دنیا

## وطن‌دوستی زیر ذره‌بین

با وجود تمایل بیش از نیمی از آمریکایی‌ها به خرید محصولات وطنی، تنها ۱۱ درصد حاضرند بیش از ۱۵ درصد پول بیشتری بابت آن بپردازند



امیر لطفی دبیر سرویس بین الملل

وقتی دینا هاف از نیوهامپشایر تصمیم گرفت زندگی‌اش را وقف حمایت از تولیدکننده آمریکایی کند، هیچگاه فکر نمی‌کرد روزی برای یافتن پرچسب «ساخت آمریکا» به درون یخچالش بپردازد. اما نتیجه جست‌وجو تنها چند کلمه ریز بود: «ساخت مکزیک» و او در ادامه، ترازویش را هم به فروشنده پس داد، چون فهمید با وجود شعار «ساخت داخل»، کارخانه‌اش جایی آن طرف مرز است. هاف ۶۲ ساله حالا بیش از ۱۰ سال است که می‌کوشد همه‌چیزش، از پرده و جوارب گرفته تا میل راحتی، ساخت آمریکای واقعی باشد. اما گوشه‌ی تلفن، عینک و علف‌زنش هنوز از خارج می‌آیند. خودش می‌گوید: «سفرم پر فراز و نشیبی بوده، پر از دلقوری و ماجراجویی، و آن‌ها نیست، خریدارانی در سرتاسر ایالات متحده با وسواس، سیایت ردیت را ز پرور می‌کنند، پرچسب‌ها را می‌خوانند و حتی از گروه‌های مجازی برای یافتن کالای «واقعا» وطنی کمک می‌گیرند. همه این‌ها در حالی است که به طور تقریبی نیمی از خودروهای جدید فروخته‌شده در آمریکا در سال ۲۰۲۴، در خارج از کشور مونتاژ شده‌اند. گوشه‌های هوشمند هم که دیگر جای بحث ندارند؛ تمام‌شان وارداتی‌اند و اغلب ساخت چین.

## روای تولید بومی و واقعیت اقتصاد جهانی

سسال‌ها جهانی‌سازی و قراردادهای تجارت آزاد، بسیاری از خطوط تولید را به خارج کشاند. دلایل هم روشن است: هزینه پایین‌تر نیروی کار. نتیجه آنکه بسیاری از مردم، هر چند دل‌شان با تولید داخلی است، یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند قیمت‌های بالاتر را تحمل کنند. در نظرسنجی اردیبهشت‌ماه «مورنینگ کانسال» ۵۶ درصد آمریکایی‌ها گفتند گهگاه از روی تمعد و حس

## کیوسک

نیویورک تایمز، عکس اصلی خود را به هجوم مردم مظلوم و گرسنه غزه به مراکز تقسیم بسته‌های غذایی اختصاص داد و از کمبود این کمک‌ها نوشت.

لس آنجلس تایمز، از رد شدن درخواست بودجه کالیفرنیا برای کنترل و پیشگیری فجایعی مانند آتش‌سوزی مهیب و گسترده اخیر در لس آنجلس خبر داد.

تسلیماتی این طرح را تأمین کنند. نکته مهم‌تر، گنجاندن اوکراین به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان طرح است؛ اقدامی که نه‌تنها ارسال تسلیحات به کی‌یف را تسهیل می‌کند، بلکه به ادغام تدریجی صنایع نظامی این کشور با ساختار دفاعی اروپا نیز کمک خواهد کرد. بریتانیا، به‌رغم خروج از اتحادیه، نیز از طریق پیمان‌های مکمل دوجانبه می‌تواند در این طرح مشارکت کند؛ فرصتی طلایی برای بازگشت غیررسمی لندن به نظم امنیتی قاره. با این حال، برخی کارشناسان اقتصادی، از جمله تحلیلگر شرکت مورنینگ‌استار، نسبت به ناکافی بودن این بودجه هشدار داده‌اند. به باور آنها، کشورهایی چون فرانسه، ایتالیا و اسپانیا که بدهی عمومی بالایی دارند، ممکن است نتوانند به‌راحتی از ظرفیت وام‌گیری استفاده کنند؛ امری که می‌تواند تحقق اهداف بلندمدت طرح را به خطر اندازد. از همین رو، ایده تأسیس «بانک سرمایه‌گذاری دفاعی اروپا» به‌عنوان نهاد تأمین مالی بلندمدت، در محافل تصمیم‌گیری اروپایی در حال مطرح شدن است.

## راهی پرریسک اماناگزیر

این اقدام بی‌سابقه، به‌همه ملاحظات فنی و محدودیت‌های مالی، در یک نکته با اجماع روبه‌رو است: ادامه وضعیت موجود دیگر ممکن نیست. همان‌گونه که اورزولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، تصریح کرد: «ما در دوران تسلیح مجدد قرار داریم. اروپا باید هم در برابر تهدیدات کوتاه‌مدت و هم برای مسئولیت‌پذیری بلندمدت در قبال امنیت خود، آماده شود.» تشدید حملات روسیه به زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین و سکوت شکبرانگیز واشینگتن در برابر برخی بحران‌ها، اروپا را به این جمع‌بندی رسانده که باید هزینه استقلال راهبردی را بپردازد. در نهایت، تصویب طرح «اقدام امنیتی برای اروپا» نه‌تنها نشانه‌ای از آغاز فصل جدیدی در تاریخ امنیت اروپا است، بلکه آزمونی برای بلوغ سیاسی و انسجام راهبردی اتحادیه‌ای است که دیگر نمی‌خواهد فقط یک بلوک اقتصادی باشد. اروپا، در جهانی پراشوب، در حال مسلح شدن برای دفاع از نظم خود است، نطمی که نه با چک سفید آمریکا، بلکه با هزینه و تصمیم خود ساخته می‌شود.

## ستون فقرات نظم نوین امنیتی اروپا

طرح «اقدام امنیتی برای اروپا» نه‌تنها پاسخی به جنگ فرسایشی روسیه در اوکراین است، بلکه کوششی جدی برای کاستن از وابستگی ساختاری اروپا به آمریکا در حوزه تسلیحات و دفاع به‌شمار می‌آید. به گفته وزیر امور اروپا در فرانسه، این طرح «تخستین گام برای ترجیح راهبردی صنعت دفاعی اروپا بر واردات از قدرت‌های فرامنطقه‌ای» است. طبق مفاد نهایی، کشورهای خارج از اتحادیه حداکثر می‌توانند ۳۵ درصد از قراردادهای

وطن‌دوستی، کالای داخلی می‌خرند اما فقط ۱۱ درصدشان حاضر بودند بیش از ۱۵ درصد گران‌تر بپردازند. البته باید به این نکته تأکید کرد که علاقه به خرید داخلی در میان سالمندان و جمهوری خواهان بیشتر است. مت براینارد، مشاور سیاسی جمهوری خواه یکی از این افراد است. او که پنج سال است به خرید داخلی رو آورده، حالا معتقد است این انتخاب نه‌تنها صرفه‌جویی مالی آورده، بلکه به کیفیت بهتر انجامیده است. زیرپوش‌های «هوگو بوس» را با برند کارگری «هاردت» جایگزین کرده، جوارب‌هایی می‌خرد که جفتی ۱۳ یا ۱۵ دلار قیمت دارند و حتی پیراهن و کراوات‌های اروپایی‌اش را با برندهای بومی تعویض کرده است. با این حال، هنوز برای خرید کنوشلوار تولید آمریکا چاره‌ای نیافته و همان کت قدیمی‌اش را که از پاساژی در کیلوند خریده، می‌پوشد. او گوشه‌ی سامونگن در دست دارد چرا که محصول ساخت کره جنوبی را به ساخت چین ترجیح می‌دهد، ماشین آمریکایی ساخت کمپانی بام.و سوار می‌شود و دنبال ملاقاتی با کارگری در دیت پوئه که درباره مرز مقاطعات داخلی دریل‌ها به او اطلاعاتی داده است. وقتی دنبال ماهیتابه نجسب بود، نتوانست یک ست کامل ماهیتابه ساخت آمریکا پیدا کند. تیغ اصلاح آمریکایی هم که رویایی دست‌نیافتنی است، پس هنوز از محصولات «ولت» استفاده می‌کند.

## وقتی پرچسب فریب می‌دهد

لین استرلینگ ۷۲ساله هم مثل پدر و مادرش بر این باور است که هر دلار خرج‌شده باید به نفع جامعه محلی باشد. گفتش آمریکایی «تیو بالانس» می‌پوشد و قهوه‌اش متعلق به برند «فورلجر» است، محصول شرکتی در اوهایو. اما ریمل محبوبش ساخت برند فرانسوی «لورال» است. وقتی با خوشحالی گفت: «تنها استثنایم همین‌ه، خبرنگار گفت ریمل برند کبالت در کارخانه‌ای در آرکانزاس تولید می‌شود و واکنش او به این خبر، تنها و تنها خنده بود. اما درباره آب‌معدنی «کریستال گایزر» که همیشه می‌خورد، وقتی فهمید مالک اصلی‌اش یک شرکت ژاپنی است، تنها گفت: «وای نه! چه ضدحالی!»

در شرايطی که ترامپ با تهدید اعمال تعرفه ۵۰ درصدی روی کالاهای وارداتی از اروپا و ایفون‌های ساخت خارج، سعی دارد تولید را به شهرها و کارخانه‌های آمریکایی برگرداند، شوق خرید وطنی در بخشی از جامعه زنده مانده است. اما وقتی یخچال‌ها ساخت مکزیک باشند و تیغ اصلاح وطنی پیدا نشود، خریداران وطن‌دوست باید یا دل را رویا بکنند، یا حقیقت را با تمام تلخی‌اش بپذیرند یا مثل افرادی که در این نوشته نام‌شان را بردیم، دنبال نخودسیاه بگردند.

## زوج جنجالی الیزه

رابطه امانوئل و بریژیت مکرون همچنان منبع حاشیه برای کاخ الیزه است

آغاز این داستان عاشقانه، بیش از آنکه به روایت‌های معمول روابط عاشقانه شباهت داشته باشد، به فصلی از یک رمان جنجالی می‌ماند؛ جایی که مرزهای سنتی و عرف، در برابر خواستی شخصی و بی‌ملاحظه، رنگ می‌بازد. امانوئل مکرون، دانش‌آموزی باهوش، خجالتی و علاقه‌مند به تئاتر و ادبیات، تنها ۱۵ سال داشت که در مدرسه‌ای کاتولیک در شهر آمیان فرانسه، مجذوب معلم ادبیات خود، بریژیت تروینو شد؛ زنی ۳۹ ساله، متأهل، مادر سه فرزند و همسر یک بانکدار. آنچه این جارا را عجیب‌تر می‌کرد، این بود که یکی از فرزندان بریژیت، همکلاسی مکرون بود. در آن دوران، رابطه‌ای چنین نابرابر از نظر سن، جایگاه اجتماعی و خانوادگی، بی‌تردید خط قرمزی آشکار به‌شمار می‌رفت. اما این جوان خجالتی، مسحور زنی شد که هم‌زمان نقش معلم، الهام‌بخش و معشوق را برای او بازی می‌کرد. کلاس نمایشنامه‌نویسی مخفل شکل‌گیری این پیوند بود؛ جایی که بریژیت، مکرون را برای نوشتن و بازی در نمایش‌ها تشویق می‌کرد.

رابطه پنهانی آن دو زمانی علنی شد که خانواده بریژیت، آنها را در حال آفتاب گرفتن کنار استخر دیدند. خانواده مکرون که از این رابطه بهت‌زده بودند، فرزندان را به پاریس منتقل کردند و برای مدتی میان این دو جدایی افتاد اما این فاصله نتوانست پیوند میان آنها را بگسلد. مکرون هر هفته از پاریس به آمیان بازمی‌گشت تا تنها ساعاتی را با بریژیت بگذراند. به گفته دوستان خانوادگی، او در دوران نوجوانی‌اش گفته بود: «من با بریژیت ازدواج خواهم کرد، مهم نیست بقیه چه می‌گویند.» در آن زمان، بریژیت همچنان درگیر طلاق همسرش بود، روندی که حدود ۱۰ سال به درازا کشید و پس از آن، سرانجام این زوج در سال ۲۰۰۷ ازدواج کردند. در آن زمان، امانوئل ۲۹ ساله و بریژیت ۵۴ ساله بود. این فاصله سنی ۲۵ ساله که همواره در کانون

## ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

مسابقه بسکتبال بین تیم‌های نیکس و پیسرز  
مسابقه فوتبال بین تیم‌های هوراکین و کورنتیانس  
مسابقه ریکت بین تیم‌های روالا چلنجرز بنگلورو و لاکناو سوپر جانتیز  
روز ملی مریزانان در تقویم رسمی روسیه  
پیروزی گاتل مونفیلس، تنیسور فرانسوی در رقابت‌های اوپن این کشور

## ستاره‌های جدید دنیای جادو: معرفی بازیگران هری پاتر

سریال «هری پاتر» با معرفی بازیگران تازه‌وارد نقش‌های کلیدی هری، هرمانی و ران، گام بزرگی به سوی تولید برداشت. دمینیک مک‌لاکلین در نقش «هری پاتر»، آریلا استانتون در نقش «هرمانی گرینجر» و الستر استوت در نقش «ران ویسلی» انتخاب شده‌اند. این سه استعداد جوان پس از بررسی بیش از ۳۰ هزار داوطلب از بریتانیا و ایرلند برگزیده شدند. برادران وارنر در فراخوانی فراگیر تأکید کرده بود که انتخاب بازیگران بدون توجه به نژاد، جنسیت، یا هرگونه تبعیض انجام می‌شود. مک‌لاکلین که به‌زودی در سریال اکشن «بااستعداد» بی‌بی‌سی دیده می‌شود، در کنار استانتون، ستاره تئاتر «ماتیلدا»، و استوت که تجربه‌ای درخشان در تئاتر دارد، سه گانه اصلی هاگوارتس را زنده می‌کنند. این سریال همچنین از حضور ستارگان باسابقه‌ای چون جان لیتگو (آلبوس دامبلدور)، جنت مک‌تیر (مینروا مک‌گونگال)، پاا اسیدو (سوروس اسنیپ)، نیک فراست (روبیوس هاگ‌رید)، لوک تالون (کویرینوس کوپلر) و بل وایت‌هاوس (آرگوس فیلیچ) بهره می‌برد. این اقتباس وفادارانه از رمان‌های «جی.کی. رولینگ»، به تهیه‌کنندگی فرانچسکا گاردینر و کارگردانی مارک مالود، قرار است بیش از یک دهه داستان جادویی هاگوارتس را روایت کند. فیلمبرداری تابستان ۲۰۲۵ آغاز می‌شود و پخش سریال از اچ‌بی‌او تا اواخر ۲۰۲۶ برنام‌ریزی شده است. طرفداران دنیای جادو، آماده ماجراجویی جدید باشید!



چارلز سوم، پادشاه بریتانیا همراه با ملکه کامیلا روز سه‌شنبه در جریان سفر تاریخی خود به اتاوا با استقبال پرشور هزاران نفر از جمله مهاجران جدید کانادا مواجه شدند. در میان جمعیت، خانواده لفتیر از اوکراین که به تازگی در کانادا ساکن شده‌اند، با برافراشتن پرچم اوکراین و کانادا، پیام تشکر خود را به پادشاه و ملکه رساندند. یولیا لفتیر، مادر خانواده که پس از سال‌ها جدایی به دلیل جنگ در اتاوا به فرزندانش پیوسته، این لحظه را نمادی از امید و حمایت بریتانیا و کانادا از مردم اوکراین دانست. چارلز با این سفر به دونالد ترامپ، پیامی نمادین داد که کانادا مستقل است و مستقل می‌ماند و همچنین با دیدار مردمی خود هم روش و منش ترامپ در تحقیر مهاجران، به ویژه تنها گذاشتن و رها کردن مردم اوکراین مورد نقد قرار داد.

## عکس روز



ستیز داشت، اکنون پس از سال‌ها زندگی در کاخ الیزه، همچنان آبستن حاشیه است. در اردیبهشت ۱۴۰۴ (مسی ۲۰۲۵)، در آغاز سفر آسیایی رئیس‌جمهور فرانسه، ویدیویی از فروداو و همسرش در ویتنام منتشر شد که در آن بریژیت هنگام خروج از هواپیمای ناگهان سیلی‌ای به صورت مکرون می‌زند. او سپس از گرفتن بازوی رئیس‌جمهور خودداری کرده و با فاصله از او پایین می‌آید. ویدیو ابتدا با تردیدهایی درباره اصلتش مواجه شد اما خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را ضبط کرده و رسانه فرانسوی نیز صحت آن را تأیید کرد. کاخ الیزه کوشید این اتفاق را «شوخی دوستانه» بنامد اما صحنه‌ای چنین خشن، بسببیاری را متقاعد نکرد و دوباره شایعاتی در مورد کم و کیف و نحوه رابطه این زوج به راه انداخت.

اما در بین‌ها، رسانه‌ها و منتقدان قرار داشته، هیچگاه مانع از نزدیکی عاطفی آن دو نشد. مکرون همیشه تأکید کرده که حضور بریژیت، به او آرامش روانی و ثبات فکری می‌بخشد. پس از ازدواج، بریژیت تدریس را کنار گذاشت و به همراه همسرش وارد فضای سیاسی شد؛ حضوری غیررسمی اما پر نفوذ.

اما این ازدواج پر سر و صدا، بهای سنگینی نیز داشت. بریژیت بارها هدف حملات رسانه‌ای، تیت‌های زرد و شایعات بی‌اساس قرار گرفته است. فارغ از فاصله سنی غیرمعمول، شایعه‌ای بر حرجم نیز سال‌هاست سایه بر زندگی بریژیت افکنده است: ادعایی بی‌پایه مبنی بر اینکه او در اصل مردی به نام ژان-میشل تروینو بوده و تغییر جنسیت داده است. این شایعه که در سال ۲۰۲۱ توسط تئوری‌پردازانی چون ناتاشا ره و اماندین روی در فضای مجازی مطرح شد، به سرعت در میان راست‌گرایان افراطی دست به دست شد. بریژیت و برادرش از این دو زن شکایت کردند و دادگاه پاریس در سپتامبر ۲۰۲۴ آن‌ها را به جرم افترا مجرم شناخت و به پرداخت ۱۳ هزار یورو غرامت محکوم کرد. رابطه‌ای که از آغاز با عرف اجتماعی سر

## فرانسه روسیه عربستان برزیل آمریکا

نمایشی به نام اکران مردمی!

# اکران مردمی باطعمه‌مشت بادیدگارد!

«اکران مردمی» عبارتی است در ظاهر نویدبخش که فرصتی است که امکان نزدیک شدن هنرمندان به مخاطبان سینما را فراهم می‌کند. انگار تکه‌ای از رویای دموکراتیک سینما،

از سالن‌های تاریک به قلب جامعه منتقل می‌شود. باز یگری که بعد از فیلم در میان مردم قدم می‌زند، با آن‌ها عکس می‌گیرد، از واکنش‌های‌شان می‌شنود، برای لحظاتی فاصله ستاره و تماشاگر را رنگ می‌بازد. هر چند این رویا در واقعیت سینمای ایران، به مفهوم دیگر بدل شده است. به نمایشی پر زرق و برق، آمیخته با مدگرایی افراطی، قدرت‌نمایی سلبریتی‌ها و طرد تماشاگران واقعی!

اکران‌های مردمی در ایران، به جای آنکه ویتربین پیوند اهالی هنر با بدنه جامعه باشند، در بسیاری از موارد به سکوهای بی‌ «خودنمایی» «چهره‌های اینستاگرامی، بلاگرهای مد و پوشش‌های اغراق‌آمیز بدل شده‌اند. مراسمی که بیشتر از آن که برای مخاطب سینما باشند، فستیوالی از برنده‌های آرایشی، لباس‌های عجیب و غریب، ژست‌های مصنوعی و بادیدگردهایی خشمگین‌اند که مردم را کنار می‌زنند تا مسیر ستاره‌ها را ببانند.

مردمی که پشت‌درد مانندند تا موبایل‌ها کار کنند

بارها در اکران‌های مردمی امسال و سال‌های گذشته در شهرهای مختلف از جمله تهران، مشهد و شیراز شاهد صف‌های طولانی از هواداران جوان بیرون سینما بوده‌ایم که ایستاده منتظرند تا شاید باز یگر محبوب‌شان را ببینند. اما وقتی هنرمندان رسیدند، بادیدگردها با رفتار تحقیرآمیز جمعیت را عقب رانند و مهمانان ویژه یکی یکی وارد سالن شدند. در حالی که برخی از تماشاگران با وجود داشتن لپت، پشت‌درد مانندند. در این شرایط نه سینما در مرکز توجه بود و نه فیلم. همه چیز حول محور دوربین‌های موبایل، پست‌های اینستاگرامی و ژست‌های طراحی شده چرخید.

از واقعیت دهه هشتاد تا تغییر مفهوم مردمی در گذشته، «اکران مردمی» مفهومی مردمی داشت. در اوایل ۸۰ وقتی فیلمی محبوب اکران می‌شد، باز یگر یا کارگردان در سالن حضور می‌یافت، بدون مانع، با مردم گفت‌وگو می‌کرد، به سوالات پاسخ می‌داد و حضورش تجربه‌ای مشترک با مخاطب بود. اما امروز در بسیاری از اکران‌ها، مردم به ج‌ای مواجهه با فیلم، با دیوارهای نامرئی بین خود و هنرمند روبه‌رو هستند و هنرمندان حتی حق امضادادن به مردم را ندارند.

شهرهای سلبریتی یا مشهورهای سینما!

پدیده «سلبریتیزم» و تأثیر شبکه‌های اجتماعی نیز در تغییر مفهوم «اکران مردمی» انکارناپذیر است. افرادی که شهرت خود را بیشتر مدیون لایک‌ها و الگوریتم‌ها هستند تا استعداد و تجربه، به مهم‌ترین چهره‌های فرش قرمز بدل شده‌اند. این اتفاق، تصویر هنرمند را به ج‌ای «مروج فرهنگ» به «سوزو» پاپ‌کالچر» تقلیل می‌دهد. برای همین است که در چنین مراسمی‌هایی، باز یگر جوانی که شاید هنوز سه فیلم هم بازی نکرده، با بادیدگارد و ماشین لاکچری وارد می‌شود، اما بزگان سینما یا اصلا دعوت

گفت‌وگوهای یک دقیقه‌ای

فنجان‌هایی پر از ایده‌های ته کشیده

علیرضا بخشی استوار  
هفت صبح

مرد پایه سن گذشتگی‌ای بود با موهایی سفید و مداسی که زیر کلاه پرت پند شده بود. سیبل‌هایش را از دو سو تاب داده بود. پیراهن سفید ساده‌ای تن داشت و شلوارش را با ساس‌پندنگه داشته بود. صلابی در دست داشت اگر چه شق و رق قد بر می‌داشت. پسری در گردی میدان فلسطین مشغول طراحی‌کردن از مناره قهوه‌فروشی بود. مرد تنگاهی به مشتری‌های مغازه که دخترهای و پسرهای جوان دانشجو بودند انداخت و از حرکت ایستاد. پسر را که مشغول طراحی بود دید، با گوشه چشم به طراحی‌اش خیره شد.

بدون این که معلوم باشد خطایش با کیست یا صدایی بلند گفت: «اگه به جای این همه کافه و قهوه‌فروشی، کتاب‌فروشی بود به آینده این کشور امیدوار بودم.»

هیچکسی حتی پسری که مشغول طراحی بود به مرد توجه نکرد.

مرد سری چرخان و متوجه این اتفاق شد. یک قدم به پسری که طراحی می‌کرد نزدیک شد و گفت: «توی این کافه‌ها ایده‌ها گفته می‌شه و ته می‌کنه و تموم می‌شه به همین راحتی. این‌ها کافه‌ها ما رو بدبخت می‌کنه.»

قهقهه دخترها و پسرها که سخت مشغول حرف‌زدن با هم بودند بلند شد. پسر هم سرش را از روی کاغذ بر نمی‌داشت. مرد سری به نشانه افسوس تکان داد

و جوری در برابر ایستاد که به چشمش بیاید.

پسر دوباره ایستاد به مرد سرش را بالا آورد و مشغول کارش شد. مرد گفت: «به جای کافه نشستن برید و کار هنری کنید. وقت و پولتون رو اینجا تلف نکنید. حیف. حیفه جوانیه.»

پسر این‌بار چشمش به مرد افتاد و با آن نگاه کرد. «حیفه بدون هیچ کلامی. مرد حرفش را تکرار کرد. «حیفه که جوونیونو توی این کافه‌ها تلف کنید. فرانسه هم اینجاوری نیست. من خودم فرانسه در س خوندم و زندگی کردم.» پسر لحظه‌ای بعد دوباره بدون توجه به مرد مشغول طراحی‌کردن شد. قهقهه دانشجوهای جوان بالاتر می‌رفت و هی به جمعیت‌شان اضافه

مرد به یکباره قدم برداشت و از آنجا دور شد. اندکی مشغول مطالعه تیترو روزنامه‌هایی شد که مقابل دکه روی زمین چیده شده بود. وقتی تیترو روزنامه‌ها را مطالعه کرد دوباره سرش را به سوی پسر و دانشجوها برگرداند. همه مشغول کار خودشان بودند. این‌بار حتی سری هم تکان نداد. قدم‌هایش را اهسته و محکم برداشت و در خیابان طالقانی روانه شد.

همان لحظه راننده تاکسی ماشینش را در گردی

هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۶۳۲ | پنجشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۴



چه شد که این مراسم‌ها به ویتربین اینفلوئنسر ها و خودنمایی سلبریتی‌ها بدل شدند؟

در گذشته نیز اکران‌های مردمی وجود داشت، مثلا وقتی فیلمی اکران می‌شد یک یا دو بازیگر کنار مردم می‌آمدند، عکس می‌گرفتند و امضا می‌دادند. بعد وارد سالن می‌شدند و فیلم را تماشا می‌کردند. استقبال هم گسترده بود. اکنون هم ممکن است در برخی موارد چنین چیزی رخ دهد، ولی در اکثر موارد فعلی می‌بینیم که اکران‌ها «تماشای مردمی» نیست. یک «خودنمایی» کامل است. درواقع، هدف از «اکران مردمی» ایجاد فرصتی برای ارتباط نزدیک‌تر مخاطب با سینما بود تا شاید باعث حضور بیشتر مردم در سینماها شود. اما اکنون بیشتر به یک شو تبدیل شده است. صرفا گروهی از اینفلوئنسر ها و مهمانان خاص دعوت می‌شوند و آن‌ها از این اکران بهره می‌برند، در حالی که مردم همچنان از دور و حتی گاهی با بی‌احترامی در صف می‌ایستند که شاید بتوانند باز یگر مورد علاقه‌شان را ببینند. اگر اکران مردمی بود، صرفا حضور مردم با احترام کامل را می‌دیدیم.

امروز به‌جای اینکه در اکران بیشتر وقت به مردم اختصاص یابد، به بلاگرها، اینفلوئنسر ها و مهمانان خاص در سالن ویژه تعلق می‌گیرد. به نظر شما این روند چه آسیبی به رابطه سینما و مخاطب وارد می‌کند؟

ما همیشه از مردم سوءاستفاده می‌کنیم. اکران مردمی، یعنی اینکه ۱۰۰ درصد باید مردمی باشد. اگر افرادی خاص هم آنجا هستند، باید به‌عنوان مخاطب در سالن بنشینند، نه اینکه به‌عنوان ویتربین از آن‌ها استفاده شود. اگر از عوامل برای اینکه در چشم باشند استفاده شود. این دیگر «خودنمایی» است و نه اکران مردمی و ایجاد ارتباط با مردم! اینکه در حال حاضر برخی از هنرمندان چه زن و چه مرد، لباس‌های خاص به تن می‌کنند، آرایش‌های افراطی می‌کنند، جراحی‌های زیبایی را به نمایش می‌گذارند، درست نیست. با این روش‌ها نمی‌توان فروش یک فیلم را زیاد کرد. اگر سریال یا فیلمی خوب و مردمی باشد، نیازی به این نوع مراسم ندارد. بار دیگر تأکید می‌کنم، اگر اکران مردمی بود فقط مردم باید حضور داشته باشند. آن هم با احترام کامل به آن‌ها نه اینکه بعضی از مردم را با لگد و توهین دور کنند و فاصله بیندازند. اگر قرار بر احترام به مردم است، مراسمی برگزار کنید که آن‌ها شما را بپذیرند و با احترام وارد سالن شوند.

البته در بسیاری از اکران‌های مردمی هم شاهد هستیم شخص باز یگر مشکلی با عکس گرفتن ندارد، اما بادیدگردها کاسه داغ‌تر از آش می‌شوند و مانع ارتباط او با مردم می‌شوند!

این تناقض را چطور تحلیل می‌کنید؟

دلیل اصلی این است که ما مراسمی گرفته‌ایم که با فرهنگ‌مان سازگار نیست. یک برداشت کاملاً بد و سطحی از غرب است. من حتی مثال‌هایی از هالیوود و آمریکا دارم که در اکران‌های مردمی، هنرمندان و مردم در کنار هم هستند. نه تنها برخوردی در کار نیست، بلکه احترام

نگاهی به پرفروش‌ترین کتاب نیویورک تایمز

## زنان موفق؛ خلق فرصت نه انتظار ناجی

نقیسه دربندی  
هفت صبح



کتاب «راز دختران موفق» پرفروش‌ترین کتاب نیویورک تایمز، در ایران توسط نشر پارو و با فاطمه باغستانی منتشر شده است.

شاکله اصلی کتاب حول محور زنان موفق می‌چرخد. زنانی که در بحران‌ها و چالش‌های زندگی در هر کجای جهان بغض کرده‌اند، حساب‌کرد و داخل تاکسی شد. همه‌هم دخترها و پسرهای جوان هم‌چنان بلند بود. صدای موسیقی ترنس باریمت‌لایه که دلشت در این همه‌هم خنده تنیده شده بود.

دختری لایه‌لای آن همه‌هم به دوستش گفت: «همیشه برنامه‌سینما رفتن رو کنسل کنی. خونه‌رهام دعوتیم. خر نباش اونجا واقعا خیلی بیشتر خوش می‌گذره.»

در آن میان دختری نگاه به ساعتش کرد و گفت: «اه واقعا حوصله کلاس بعدی رو ندارم. نمی‌شد تاریخ هنر خودمون می‌خوندم می‌گفتیم چی‌خونه.» دختر دیگری که کنارش نشسته بود گفت: «چه‌مها بدوبیین الان کلاس شروع می‌شه.»

صدای موسیقی همچنان جریان داشت اما مقابل قهوه‌فروشی خالی شده بود و فروشنده هم سر در موبایلش فرو برده بود.

دورطه‌ف نیز کاملاً برقرار است. اما ما مردم را دعوت می‌کنیم، سپس به آن‌ها توهین می‌کنیم. جشنواره و اکران مردمی قرار است فرصت ارتباط رودرو میان مردم و هنرمندان باشد، نه جایگاه دکور. جالب این‌جاست که برخی از این اکران‌های مردمی، زمانی برگزار می‌شوند که فیلم پیش‌تر در سینماها اکران شده است. مسئله دیگر اینکه در ایران اصلا سلبریتی واقعی نداریم که بخواهند بادیدگارد داشته باشند. چه سالتی خالی‌ست، به‌خاطر بی‌احترامی به مخاطب و نبود حق انتخاب است. کسی که دو بار جلوی دوربین رفته، چطور می‌تواند بادیدگارد همراه خود بیاورد؟ علی نصیریان بادیدگارد داشت؟ فردین با ملک‌مطیعی قیل از انقلاب بادیدگارد داشتند؟ همه آن‌ها کنار مردم بودند. کسی هم کسی را هل نمی‌داد. این‌ها فقط ادا هستند. حتی بازی‌شان هم اداست، چه برسد به اینکه بخواهند هنرمند باشند. چون هنر ندارند، از راه‌های دیگر می‌خواهند دیده شوند.

آیا نمونه‌ای از این رفتارهای اغراق‌شده را در فرش قرمزهای معتبر بین‌المللی دیده‌اید؟ چرا الگو می‌گیریم، اما اجرای صحیح آن را بلد نیستیم؟

در اصل، این نوع مراسم‌ها نه در رفتار، نه در رسوم و نه در سنت ایرانی جایگاهی دارند. این‌ها برداشت‌هایی از فرهنگ غربی است که ما حتی اجرای صحیح آن‌ها هم نمی‌دانیم. در جایی که مثلا باز یگران قرار است با لباس‌های سنگین، فاخر و متناسب با موقعیت بر روی فرش قرمز ظاهر شوند و در مقابل دوربین‌ها قرار بگیرند تا مردم هنرمندان‌شان را از نزدیک با چهره‌های هنری ببینند، نه چهره‌ای مصنوعی، ما می‌بینیم که برخی لباس‌های عجیب‌وغریب می‌پوشند تا بگویند ما متفاوت هستیم. نکته تأسف‌بار دیگر، نبود درک صحیح از «الگوهای فرهنگی غرب» است. ایده‌هایی مثل فرش قرمز، فتوگال، یا اکران عمومی، ریشه در سنت‌های تثبیت شده هالیوود دارند که طی دهه‌ها با ساختارهای حرفه‌ای روابط عمومی، استانداردهای پوشش، قوانین رسانه‌ای و احترام متقابل باز یگر و مخاطب معنا گرفته‌اند.

در مقابل، ما اغلب نسخه‌ای تقلیدی، سطحی و بی‌ریشه از این سنت‌ها را اجرا می‌کنیم؛ فرش‌های داری‌اما محتوایی فرهنگی نداریم. رابرت دنیرو یا جولیا رابرت در مراسم اکران مردمی شرکت می‌کنند، اما نوع پوشش‌شان کاملاً متفاوت است. مردم آن‌ها را می‌پذیرند چون رفتارشان محترمانه است. دیده‌اید آل پاچینو یا دیگران مردم را بزنده‌د دیده‌اید

در فضای مجازی خودنمایی کنند؟ این‌ها باز یگران بزرگ می‌دانند که نفس سینما با مردم گرم است، با مردم احیا می‌شود، با مردم



رشد می‌کند. در ایران این ساختار شکل نگرفته و نخواهد گرفت. فقط و فقط یک نمایش خودنمایی است.

نقشی که روابط عمومی‌های سینما باید در این رویدادها ایفا کنند، چیست؟ و چرا جایگاه واقعی‌شان تا این حد تضعیف شده است؟

در مورد نقش روابط عمومی فیلم‌ها در جهت‌دهی به فضای اکران مردمی، باید گفت که اکثر این روابط عمومی‌ها اساسا روابط عمومی نیستند. چون با ساختار و اصول آن آشنا نیستند. کار آن‌ها نهایتا پخش خبر است یا هماهنگی‌های ساده، مثل تماس با باز یگر یا دعوت از مهمان. اگر روابط عمومی قوی باشد، همه چیز برنامه‌ریزی‌شده انجام می‌شود. اما الان عوامل، روابط عمومی را به چشم یک کارگر می‌بینند. هیچ قدرتی به آن‌ها نمی‌دهند.

در این فضا، آیا اصلا می‌توان از نقش «برنامه‌ریزی‌شده» روابط عمومی صحبت کرد؟

وقتی روابط عمومی هیچ نقشی در ساختار ندارد، همه چیز بی‌نظم است. گاهی حتی نشست‌ها فقط به چند رسانه گفته می‌شود. ترس از نقد باعث شده ارتباط حرفه‌ای حذف شود. روابط عمومی قوی یعنی مدیریت فضا، نه فقط تماس تلفنی گرفتن! درواقع، روابط عمومی هیچ‌کدام از این مراسم‌ها را برگزار نمی‌کند. تهیه‌کننده یا کارگردان تصمیم می‌گیرد که مراسم برگزار شود، سپس به روابط عمومی می‌گوید خبرش را پخش کند و چند باز یگر دعوت شود. همین. اگر شما دقت کنید، تهیه‌کننده با شرکت‌هایی قرارداد می‌بندد که صاحب آن‌ها برخی مجری‌ها هستند. پذیرایی، فیلم‌برداری و همه چیز با آن‌هاست، نه روابط عمومی.

در نهایت، فکر می‌کنید اگر مسیر اکران‌های مردمی به این شکل ادامه پیدا کند، سینما در بلندمدت چه چیزی را از دست خواهد داد؟

اگر مردم را کنار بگذاریم، سینما را از بین برده‌ایم. نفس سینما با مردم است، با مخاطب زنده است. اگر به آن‌ها بی‌احترامی کنیم، سالن‌ها خالی می‌مانند. همین حالا هم نتیجه‌اش را می‌بینیم. برگزاری اکران مردمی به شکل فعلی توهین به سینما و توهین به مردم است. سریال‌سازی است. تا وقتی این اداها هست، ما به هدف نخواهیم رسید.

### برشی از کتاب:

«شما منحصر به فرد هستید. شما همین طور که هستید بی هیچ تغییری دوست‌داشتنی هستید. توانایی شما در رسیدن به خواسته‌هایتان نامحدود است. امکانات شما بی‌نهایت است و شما قدرت آن را دارید که زندگی، کسب و کار و رویایی خود را محقق سازید. موفقیت یک منبع محدود نیست، موفقیت برای همه هست، نه فقط برای بعضی‌ها.»

در این بخش به ظاهر ساده، نویسنده سعی دارد به شکلی علمی و اصولی بر طبق علم روانشناسی، باور غلط و جاثفاده در ذهن مخاطب را بشکند. تابویی که زنان در جوامع مختلف با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

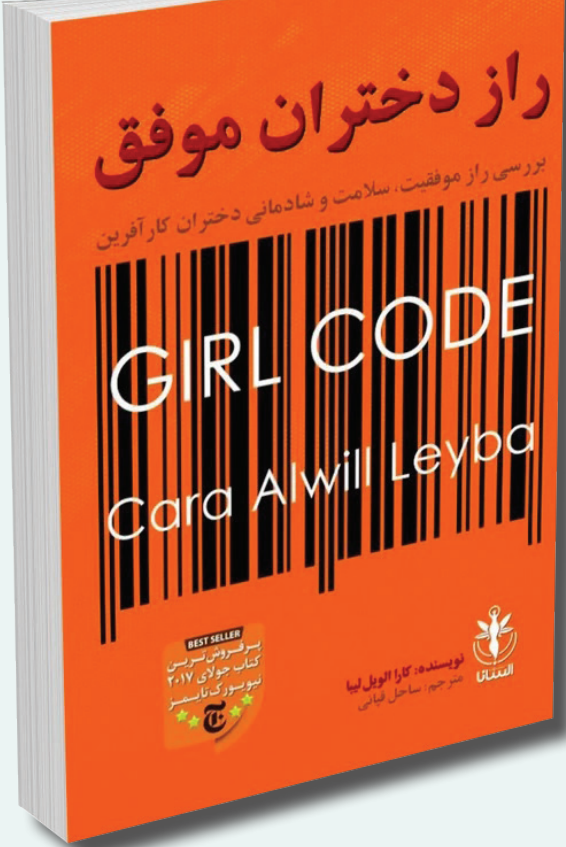
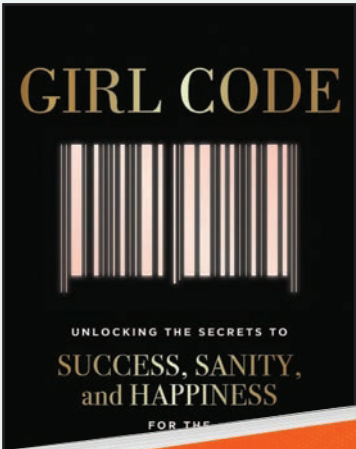
او معتقد است، «همه‌چیز به وفور برای هر فرد یافت می‌شود و نباید داشته‌های کسی را مبنی بر کمبود منابع تلقی کرد. از آن‌جایی که منابع زمین بی‌حد و مرز هست و خیلی از همین منابع بلااستفاده باقی مانده است، نباید با تمرکز بر داشته‌های دیگران، داشته‌های خود را فراموش کرد.»

### نقاط قوت:

ساده و صمیمی بودن متن کتاب و نحوه ارتباط‌گیری موثر با مخاطب یکی از نقاط قوت کتاب است. این کتاب الهام‌بخش و تاحدودی شفاف‌کننده مسیر دستیابی به اهداف است. از طرفی تأکید به همبستگی زنان و تمرکز بر اصالت، خودباوری و تقویت اعتماد به نفس بر پایه خود فرد، از دیگر نکات کلیدی و کمک‌کننده کتاب برای مخاطبان زن آن است.

نقاط ضعف:

یکی از نقاط ضعف این کتاب اما همین مخاطب تک‌جنسیتی آن است. هدف کتاب زنان هستند و به همین تناسب مردان نمی‌توانند با آن ارتباطی بگیرند. همین رویکرد بخشی از مخاطبان را حذف می‌کند. از سوی دیگر، کتاب در بخش‌هایی برای توضیح مطلب، از عبارت‌های تکراری استفاده می‌کند. تکرارهایی که گاه باعث ملال خواننده می‌شود.



تأثیر متقابل مد و اجتماع بر سبک پوشش جامعه

# پیچیدگی مد و تحولات اجتماعی بر چهره زنان

انسان در خدمت مد یا مد در احاطه انسان



عسل آذرپور  
دبیر گروه فرهنگ

در خیابان که راه می‌روید به پاهای هم نگاه کنید. مقصود از پا دقیقاً از مچ به پایین است. به انتخاب کفش‌های افرادی که از کنار تان عبور می‌کنند دقیق شوید. کفش عنصر مهمی در شناسایی شخصیت است. این جمله را من نمی‌گویم. هیچ نام خاصی در دنیای مد هم وجود ندارد که بتوان این جمله را به او منسوب کرد؛ اما کرستین کزنال از روانشناسان و متخصصان مد، نه به صورت صریح اما به این اثرگذاری اشاره کرده است. او جایی نوشته است «همان طور که آرایش مو و لباس می‌تواند معرف بخشی از شخصیت افراد باشد، از کفش‌ها نباید غافل شد.» در کنار این اظهار نظر روانشناسان حوزه مد در این خصوص نظر یاتی دارند که برگرفته از مطالعات آنان است. قیمت، رنگ و فرم کفشی که شما بر پای افراد مختلف می‌بینید می‌تواند بخشی از ویژگی‌های آنان را نشان دهد.



فرماندگار

بودنش عبور کنید. حالا بسیار کسانی هستند که به واسطه مواجهه مدام با مدهای روز در فضای مجازی، خودآگاه و گاه ناخودآگاه، به آن سمت کشیده می‌شوند. این همراهی با مد به پیروی از آن می‌رسد. شما برای مقبولیت در سطح جامعه نیاز به این تبعیت دارید. این دقیقاً همان کاری است که رسانه‌های امروز با ذهن شما کرده‌اند. اگر در یک گوشه جهان یک طراح تصمیم می‌گیرد، روسری‌های کوچک را برای زیبایی طراحی کالکشن خود به طراحی لباس‌هایش اضافه کند، پس شما دو قاره این سوت را باید شبیه مدل‌های آن طراح. از روسری‌های کوچک استفاده کنید. این باید را اما نه آن طراح که صنعت مد برای شما می‌سازد. صنعتی که چون سایر صنایع، بر پایه پول قرار گرفته و از هر فرصتی برای گردش مالی بیشتر و سودآوری بالاتر استفاده می‌کند. این طور می‌شود که از کارخانه‌های بزرگ تا خیاط‌خانه‌های کوچک همگی دست به کار تولید مینی اسکارف می‌شوند.

هر فردی علاوه بر انتخاب‌های وابسته به مد روز یا همان فست فشن، که عمری کوتاه و فراگیری بسیاری دارد، صاحب سبک خاص برگرفته از سلیقه شخصی است. این سبک خاص عموماً از تفکر و نگرش فرد تا جایگاه اجتماعی و شغل او ناشی می‌شود. افراد با توجه به بستر فرهنگی که در آن تربیت شده‌اند، جامعه کوچکی (مجله یا محیط کار) که در آن زندگی می‌کنند و جایگاه اجتماعی که برای خود کسب کرده‌اند سلايق شان متغیر است. در بسیاری موارد سلیقه شخصی بر مد روز موثر است.

این قاعده اما اکنون با یک درهم آمیختگی پیوند خورده است. رسانه‌های مجازی همان قدر که بر تفکر، سلیقه و سبک زندگی عموم مردم اثر می‌گذارند، مد را نیز به مردم قالب می‌کنند. فراگیری مد در رسانه‌های مجازی، چیزی نیست که اگر شما نخواهید نبینید. اگر دنبالش نگرديد، دنبال تان نباید یا حتی اگر به آن بی‌توجه باشید بتوانید از سد وسوسه‌انگیز

## شخصی سازی هویت دار از دل مدها

در این همراهی همگانی با صنعت مد، گروه دیگری هستند که نوع مواجهه‌شان با مدهای سر به متفاوت است. افرادی که به خاطر علاقه‌مندی به مدهای روز و تلاش برای هم‌راستایی با هر آن چه مد می‌شود، با گروه اول در یک دسته قرار می‌گیرند؛ اما در نهایت تفاوتی میان این گروه و گروه نخست وجود دارد. تفاوت، دنیای فکری گروه دوم است. این گروه که با علاقه‌مندی به سبک مدهای روز می‌روند و از آن‌ها پیروی می‌کنند، سلیقه و تفکر شخصی خود را همیشه عامل اصلی این تبعیت می‌گذارند. این افراد همان‌هایی هستند که مد را تبدیل به یک شخصی‌سازی هویت‌دار می‌کنند. آنان لباس‌ها، کفش‌ها و حتی انتخاب آرایش مو و صورت‌شان را به نشانه‌هایی برای تعریف شخصیت فردی‌شان تبدیل می‌کنند. این دقیقاً همان پیچ تاریخی میان صنعت مد و مصرف‌کنندگان است. نقطه‌ای که بسیاری از طراحان بزرگ لباس نیز به آن اشاره کرده‌اند.

## طراحان بزرگ، مدرابۀ اسارت خود در آورد

مارک جیکوبز طراح برنند لویی ویتون، جمله مشهوری دارد: «برای من، نوع پوشش بیانگر درون من است. راز و رمزهای زیادی پشت شپوه پوشش شما و شخصیت شما وجود دارد.» بسیاری دیگر از طراحان مثل ریچل زویی، طراح مد و استایل و سبک خودتان را معرفی می‌کنند. با جیکوبز دارند: «استایل و سبک خودتان را معرفی می‌کنند. شنیدن این جملات اگرچه از زبان طراحان بزرگ مد کمی عجیب به نظر می‌رسد اما بسیاری از طراحان، از کوکوشان تا جیامیاتیستا والی همگی بر این اصل استوارند که مد عاملی برای ایجاد رضایت و تقویت کیفیت زندگی است. آنان همگی بر این نظر معتقدند که هر فردی در عین استفاده از مد باید بر آنچه نمای بیرونی و معرف شخصیت است، حساس باشد و مد را در اسارت این معرفی درآورد.

## کوکوشان از پیشگامان تحول دنیای مد

با این وجود بعضی از مدهای روز از دایره این معنا فراتر می‌روند. این مدها عموماً بر اساس تفکر و بازشناسی نیاز و تحولات برگرفته از اتفاقات بزرگ‌تر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طراحی و به جامعه عرضه می‌شوند. مدهایی که دیگر نه تنها دسته اول که دسته دوم را نیز تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند. این مدها دیگر در جایگاه مد سریع قرار نمی‌گیرند و جریان ساز هستند. نمونه‌های تاریخی بسیاری از این نمونه وجود دارد. کوکوشان یکی از پیشگامان این تحول در زمینه لباس زنانه بود. او برای نخستین بار دامن کوتاه و کت یقه گرد با دکمه‌های طلایی را به زنان پیشنهاد کرد. سال ۱۹۲۵ که شانل از این کت و دامن رونمایی کرد، زنان دامن‌های کوتاه نمی‌پوشیدند، کت‌های بدون یقه به تن نمی‌کردند. او کت و دامن فاستونی خود را بر تن کرد و انقلابی در پوشش زنان آن زمان ایجاد کرد. جدای از پنینگ گدار شانل، در تمام دهه‌های گذشته بارها دنیای مد تحت تأثیر چنین اقدامات جسورانه‌ای بوده و تحولات بزرگی در سبک پوشش زنان و مردان در جهان ایجاد کرده است.

## مد به مثابه اعتراض و مطالبه‌گری زنان

دوران تحولات پوششی هنوز تمام نشده است. شاید میزان آگاهی از اثرگذاری آنان در دنیای سرعت انتقال اطلاعات، مثل دوران کوکوشان به نظر نرسد، اما بی‌شک با نگاهی دوباره به پوشش فردی خود از یک دهه گذشته تاکنون به تحولات عظیمی که ما را با خود همراه کرده‌اند بی‌خواهید برد. از جمله این تحولات انقلابی بود که در سبک پوشش لباس زنانه از گذشته دور، در سراسر جهان پدید آمد. این انقلاب اخیر در ادامه تمام تغییراتی بود که در تاریخ مد و لباس جهان پیش آمده بود. نخستین دعوتی که از زنان برای پوشش هم‌خوان با سبک لباس مردان شده بود به اواخر دهه ۹۰ بازمی‌گردد. زمانی که مد در اختیار جنبش‌های زنانه، که به سرعت در جهان فراگیری می‌شدند، قرار گرفت. زمانی که زنان جهان برای دستیابی به حق رای و سایر حقوقی که تا پیش از آن محروم بودند دست به اعتراض و مطالبه‌گری زدند؛ لباس به نمادی برای این حق‌خواهی تبدیل شد. سارا برنهارت یکی از اولین زنانی بود که با لباسی کاملاً مردانه در ملاعام حاضر شد. با وجود اینکه برنهارت می‌دانست که این رفتار نمادین او، از نگاه جامعه پذیرفته شده نیست و برایش رسوایی به بار خواهد آورد؛ اما او با همان نوع پوشش به حرفه بازیگری خود نیز ادامه داد.



## ممنوعیت زنان از پوشیدن

### کفش‌های پاشنه بلند

لوپوتین یکی از ۱۰ طراح طراز اول کفش در جهان است. او طراحی کفش را از نوجوانی آغاز کرد. او در توضیح علاقه‌مندی‌اش به طراحی کفش، دنیای سینما و فرهنگ پانک در دهه ۷۰ میلادی را عامل اصلی می‌داند. لوپوتین اما روزی در ۱۲ سالگی، توجه‌اش به کفش جلب شد. روزی که برای بازدید از موزه هنرهای آفریقایی در پاریس رفته بود. در ورودی موزه تابلویی وجود داشت که زنان را از ورود با کفش‌های نوک تیز و پاشنه بلند منع کرده بود. این ممناعت برای آسیب نرساندن به کف موزه بود. این طور بود که اولین مواجهه و توجه کرستین به دنیای کفش‌ها اتفاق افتاد. او که از همان سنین، طراحی کفش را آغاز کرد. طراح برندهای مشهوری چون شانل و ایوسن لورن شد و روزگاری طراح کفش پرنسس دایانا بود. یکی از مشهورترین عکس‌های دایانا، زمانی که مقابل تاج محل ایستاد، با کفش‌های طراحی شده لوپوتین گرفته شد.

جیامیاتیستا والی

جیامیاتیستا والی

کوکوشان

کرستین لوپوتین

## خدا حافظی زنان با پاشنه‌ها

برای بازشناسی پوششی که هر روز میان زن و مرد یکسان می‌شود و دیگر اختلاف معناداری باهم ندارد، کافی است بار دیگر به لباس‌هایتان نگاه کنید. زنان مثل مردان شلوار چین به پا می‌کنند، کت می‌پوشند و کتانی به پا می‌کنند. انتخاب کتانی به عنوان یکی از آخرین نمونه‌های هم‌خوانی این پوشش است. حالا چند سالی می‌شود که دیگر زنان، شر کفش‌های پاشنه بلند و رسمی را از سر خود کم کرده‌اند. حالا چند سالی می‌شود که زنان برای حضور در اجتماع، در هر جایگاهی که هستند دیگر نیاز ندارند که به ساعت پاشنه کفش‌شان فکر کنند؛ و آن را به تناسب جایگاه اجتماعی یا مکانی که قرار است برون‌رو برگزینند. دیگر زنان نیز همچون مردان کفش‌های کتانی می‌پوشند. این انتخاب از زمانی فراگیر شد که زنان بیش از پیش در جامعه حاضر شدند. زنان دیگر فقط مادر یا خانه‌دار نبودند، آن‌ها برای حضور مداوم در اجتماع نیاز مند لباس‌های مناسب بودند؛ و چه چیزی مناسب‌تر از کتانی. همین انتخاب مناسب حالا دیگر معرف شخصیت افراد است، چه زنان و چه مردان. کرستین لوپوتین، طراح کفش و صاحب برندی به همین نام می‌گوید: «کفش‌ها بیانگر روحیات و نگرش شما به زندگی هستند. کفش‌ها می‌توانند از لحاظ جسمی و احساسی شما را تغییر دهند.»

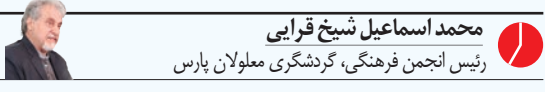
## آزادی زنان بالباس

### کلید خورد

امروز هم همان مسیر ادامه دارد. زنان هنوز به بسیاری از حقوق خود دست نیافته‌اند، حقوق اولیه که گرچه در کشورهای مختلف، متفاوت‌اند اما در جهان فاصله معناداری ندارند. به همین خاطر است که زنان پس از تجربه‌ای که در قرن ۱۹ با پوشیدن لباس مردانه کسب کردند دیگر حاضر به بازگشت نشدند. زنان در هیچ جامعه‌ای از شرق تا غرب زمین دیگر حاضر نبودند در لباس‌های پر بارچه و تنگ برونند. آنان به آزادی عمل برای حضور در جامعه نیاز داشتند. همین خواسته که میان تمام زنان جهان یکسان بود، پیش از پیش آنان را به سمت پوشش مردانه سوق داد.



## موزه برای همه، میراث برای همیشه



هم‌زمان با هفته میراث فرهنگی، در دل سرزمینی که تاریخ هزارساله‌اش، هویت ما را شکل داده، بر این باور پای می‌فشاریم که موزه‌ها نه مخازن اشیای خاموش، بلکه صحنه‌های پویای زندگی، گفت‌وگو، آموزش و تجلی انسانیت‌اند.

در این صحنه، حضور افراد دارای معلولیت و سالمندان باید نه به عنوان میهمانان موقت، بلکه به‌عنوان بازیگران اصلی فرهنگ و حافظان خرد جمعی به رسمیت شناخته شود.

از نگاه ما، که بر گرفته از مفاد کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، اصول جهانی ایکوم (ICOM) و قانون ملی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در ایران است، موزه‌ها می‌توانند و باید به خانه‌ای برای همه انسان‌ها بدل شوند، خانه‌ای که در آن، درها به روی همه باز باشد، نه فقط پر اساس توانایی جسمی یا ذهنی، بلکه بر اساس انسان بودن. مطالبات ما برای ساختن آینده‌ای برابرتر در موزه‌ها به شرح زیر است: تثبیت روز موزه و معلولیت در تقویم رسمی فرهنگی کشور، گامی مهم برای گسترش آگاهی و ترویج نگاه انسانی و عدالت‌محور به موضوع معلولیت است.

تأسیس موزه ملی نام‌آوران دارای معلولیت، موزه‌ای زنده و الهام‌بخش خواهد بود که روایتگر دستاوردهای افتخارآفرین هنرمندان، دانشمندان، ورزشکاران و فعالان اجتماعی دارای معلولیت در طول تاریخ معاصر ایران باشد.

معرفی و نمایش ابزارهای زیست‌یارانه و فناوری‌های کمک‌زیستی در موزه‌ها برای آگاهی‌بخشی عمومی، ترویج نوآوری و احترام به فرهنگ زیستن متفاوت از دیگر اقدامات لازم است. همچنین با مشورت و نظارت فعال افراد دارای معلولیت، زیرساخت‌های موزه‌ها باید متناسب با نیازهای متنوع جسمی، حرکتی، بینایی، شنوایی و ذهنی طراحی شود تا دسترس‌پذیری فراگیر فیزیکی، اطلاعاتی و ارتباطی محقق شود. حضور موثر و اشتغال پایدار افراد دارای معلولیت در موزه‌ها می‌تواند از راهنمایی و پژوهش گرفته تا طراحی، آموزش و مدیریت باشد، موزه‌ها می‌توانند نمونه‌ای موفق از تنوع‌پذیری در نیروی انسانی باشند. برای ایجاد تعامل انسانی، رفتار حرفه‌ای و ارائه خدمات برابر به بازدیدکنندگان دارای معلولیت لازم است موزه‌داران و کارکنان موزه‌ها آموزش تخصصی ببینند.



در مکاتبات رسمی، سخنرانی‌ها، اسناد، همایش‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی آن وزارتخانه، از واژه دقیق و محترمانه «فرد دارای معلولیت» (Person with Disability) مطابق با استانداردهای بین‌المللی و توصیه سازمان ملل متحد استفاده شود و از به‌کارگیری اصطلاحات نامناسب، غیر علمی یا احساسی همچون «توان‌یاب»، «کم‌توان» و غیره خودداری شود.

اجرای برنامه‌های ویژه بازدید و آموزش با مشارکت تشکل‌های تخصصی، برنامه‌هایی که احترام، هویت و مشارکت اجتماعی افراد دارای معلولیت و سالمندان را تقویت کند.

بازدید رایگان برای افراد دارای معلولیت استمرار داشته باشد، حداقل در یک روز مشخص از هفته میراث فرهنگی در هر سال، برای گسترش عدالت فرهنگی.

امروز، با پشتوانه ارزش‌های جهانی نهادهایی چون یونسکو و سازمان ملل متحد، صدای ما فراتر از مرزهای یک کشور طنین‌انداز است. زیرا فرهنگ جهانی زمانی کامل خواهد بود که همه فرهنگ‌ها، همه صداها، همه تجربه‌های انسانی در آن بازتاب یابد، از جمله صدای کسانی که سال‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

دست‌رسی، یک حق است؛ نه امتیاز، احترام، یک وظیفه است؛ نه لطف و حضور، یک نیاز است؛ نه حاشیه پس‌بیایم موزه‌ها را از «خانه تاریخ» به «خانه آینده» بدل کنیم؛ آینده‌ای که در آن، هیچ انسانی به دلیل ناتوانی، از تجربه زیبایی، خرد و هویت فرهنگی محروم نباشد تا روزی که حتی یک نفر به‌دلیل موانع محیطی از ورود به موزه بازماند، رسالت ما ناتمام است.

به امید فرایبی برابرتر، زیباتر و انسانی‌تر برای همه.

## خبر

## بازگشایی بخش مرمت شده کاخ اختصاصی نیاوران

بخشی از کاخ اختصاصی نیاوران که به دلیل عملیات مرمتی در بازدید عموم قرار نداشت، به روی بازدیدکنندگان گشوده شد.

این اقدام به مناسبت سالروز ثبت ملی مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران با هدف افزایش آگاهی عمومی نسبت به میراث فرهنگی، معماری سلطنتی دوران پهلوی و ارتقای ظرفیت گردشگری این مجموعه انجام شد.

بخش بازگشایی شده شامل فضاهای خصوصی تری از کاخ اختصاصی است که پیش‌تر صرفاً در اختیار پژوهشگران یا کارشناسان مجموعه قرار داشت و گنجینه‌ای از اشیای نفیس است که برای نخستین‌بار در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند.

مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران ضمن گرامیداشت «روز نیاوران» در این خصوص گفت: بازگشایی این بخش، گامی مؤثر در جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر مردم از سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی کشور است. تلاش داریم با این‌گونه اقدامات، نیاوران را از یک مجموعه ایستا به فضایی زنده و پویا برای گفت‌وگوی فرهنگی بدل کنیم.

شهردر امیر انتخابی افزود: با مستندسازی دقیق و رعایت ملاحظات حفاظتی، امکان بازدید از این بخش‌ها در کاخ اختصاصی نیاوران فراهم شده است و بازدیدکنندگان می‌توانند تجربه‌ای نزدیک‌تر به زندگی روزمره ساکنان پیشین این کاخ داشته باشند.

مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران، ۲۷ سال پیش پس از طی مراحل و تشریفات قانونی لازم در ۶ خرداد ۱۳۷۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و به عنوان «روز نیاوران» نام‌گذاری شد. به همین مناسبت هر ساله با برگزاری برنامه‌های ویژه‌ای چون بازدیدهای رایگان، نمایشگاه‌های موقت و نشست‌های تخصصی همراه است.



## میراث

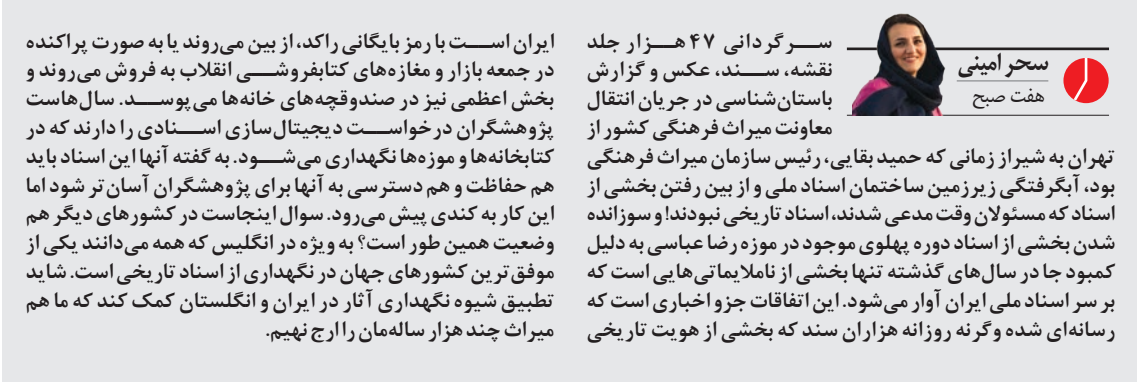
روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۲۳ | پنجشنبه | ۸ خرداد ۱۴۰۴



## بررسی تطبیقی نحوه نگهداری و حفاظت اسناد ملی و میراث مکتوب ایران و انگلستان

# نجات اسناد از دل فناوری

## ● دیجیتال‌سازی اسناد تاریخی باعث تسهیل دسترسی پژوهشگران و حفظ بهتر اسناد شده‌است



ایران است با رمز باستانی راکد، از بین می‌روند یا به صورت پراکنده در جمعه بازار و مغازه‌های کنایف‌ر و ششی انقلاب به فروش می‌روند و بخش اعظمی نیز در صندوقچه‌های خانه‌ها می‌پوسد. سال‌هاست پژوهشگران در خواست دیجیتال‌سازی اسنادی را دارند که در کتابخانه‌ها و موزه‌ها نگهداری می‌شود. به گفته آنها این اسناد باید هم حفاظت و هم دسترسی به آنها برای پژوهشگران آسان تر شود اما

این کار به کندی پیش می‌رود. سوال اینجاست در کشورهای دیگر هم وضعیت همین‌طور است؟ به ویژه در انگلیس که همه می‌دانند یکی از موفق ترین کشورهای جهان در نگهداری از اسناد تاریخی است. شاید تطبیق شیوه نگهداری آثار در ایران و انگلستان کمک کند که ما هم میراث چند هزار ساله‌مان را راج نهمیم.

کمتری جهت ذخیره‌نیاز دارد و در نهایت امکان اینکه در حین نقل و انتقال گم یا با سسند دیگری جابه‌جا شوند تقریباً غیرممکن می‌شود. با یگانی شبکه نیز بخشی از آرشیو ملی انگلستان است که برای ذخیره و نگهداری بخش‌هایی از شبکه جهانی اینترنت است با اطمینان به اینکه اطلاعات شبکه اینترنت، وب سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی در آینده در دسترس مورخان، محققان و عموم قرار گیرد. گرچه ذخیره اطلاعات وب سایت‌ها از سال ۲۰۰۳ آغاز شد اما بخشی از آن به سال ۱۹۹۶ بازمی‌گردد. از آن زمان تاکنون اطلاعات ۶ هزار وب‌سایت ذخیره شده‌است.

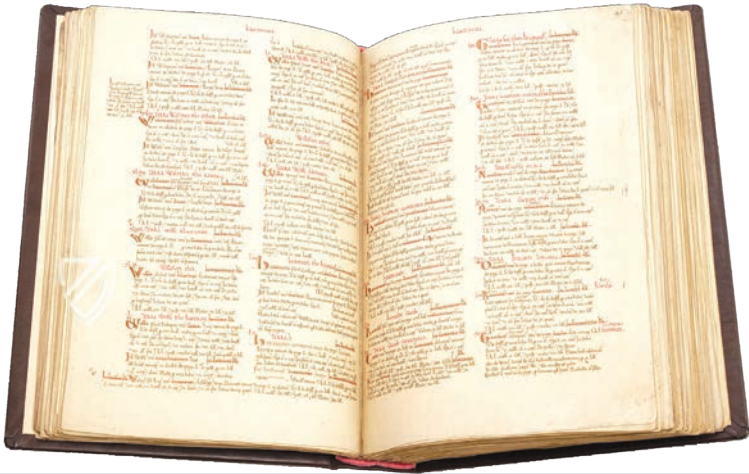
از جمله تمام اطلاعات موجود روی وبسایت دولت انگلستان (سایت‌های مرتبط، ویدیوها و اطلاعات شبکه‌های اجتماعی مرتبط مانند یوتیوب). یکی از مهمترین اتفاقاتی که اطلاعات آن در بایگانی وب سایت‌ها موجود است المپیک سال ۲۰۱۲ لندن است. یکی از بزرگترین مشکلاتی که پژوهشگران در ایران دارند، در دسترس نبودن اسناد است. نخستین گام این است که به دلیل نبود فهرست اسناد، پژوهشگران از اسناد موجود اطلاع کافی و جامعی ندارند و دوم مشکل مجوزهاست که برای استفاده از اسناد باید ارائه شود و حتی گاه با ارائه همه مجوزهای لازم، بنا به صلاحدید امنای اموال، این اسناد در اختیار پژوهشگران قرار نمی‌گیرد. اما در آرشیو ملی انگلستان همه افراد حتی اگر پژوهشگر نباشند با رعایت ضوابط می‌توانند سند مورد نظر خود را ببینند، دست بزنند و بخوانند. ورود به آرشیو برای تمام افراد بالاتر از ۱۶ سال آزاد است و با ثبت

### ● پژوهشگران و دسترسی آزاد به اسناد

یکی از بزرگترین مشکلاتی که پژوهشگران در ایران دارند، در دسترس نبودن اسناد است. نخستین گام این است که به دلیل نبود فهرست اسناد، پژوهشگران از اسناد موجود اطلاع کافی و جامعی ندارند و دوم مشکل مجوزهاست که برای استفاده از اسناد باید ارائه شود و حتی گاه با ارائه همه مجوزهای لازم، بنا به صلاحدید امنای اموال، این اسناد در اختیار پژوهشگران قرار نمی‌گیرد. اما در آرشیو ملی انگلستان همه افراد حتی اگر پژوهشگر نباشند با رعایت ضوابط می‌توانند سند مورد نظر خود را ببینند، دست بزنند و بخوانند. ورود به آرشیو برای تمام افراد بالاتر از ۱۶ سال آزاد است و با ثبت

در مرکز آرشیو ملی انگلستان تیمی از کارشناسان و متخصص امور تحقیقاتی حضور دارند که به متقاضیان در مراحل جستجو، بررسی و خواندن اسناد به خصوص اسناد قدیمی و آسیب دیده آموزش می‌دهند. این کارشناس به پژوهشگران و متقاضیان پیشنهاد می‌کنند در صورت امکان جهت حفظ و جلوگیری از آسیب دیدگی اسناد اصل، نسخه دیجیتال سسند را با پرداخت هزینه ۳،۵۰ پوند دریافت کنند. فایل‌های دیجیتال ۳۰ روز مهلت دانلود و ذخیره دارند اگر درخواست از طریق پایانه جستجو در مرکز مطالعه آرشیو و از طریق کامپیوترهای این مرکز انجام پذیرد نیازی به پرداخت وجه نیست.

امکان تحلیل دقیق روندهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی فراهم گردد. دوم، اسناد تاریخی ابزار مهمی در حفظ هویت ملی و فرهنگی هستند. ملت‌هایی که گذشته خود را به درستی ثبت و حفظ کرده‌اند، در مقابل تحریف‌های تاریخی، تهاجم فرهنگی و فراموشی هویتی مقاوم‌ترند. نگهداری اسناد مربوط به وقایع ملی، انقلاب‌ها، جنبش‌های مردمی، سیاست‌گذاری‌ها و حتی زندگی روزمره مردم، به نسل‌های آینده کمک می‌کند تا خود را با تاریخ سرزمین‌شان پیوند دهند و به آن افتخار کنند. سوم، این اسناد ارزش حقوقی و سیاسی دارند. بسیاری از دعوی بین‌المللی و داخلی،



## چرا حفظ و نگهداری از اسناد تاریخی اهمیت دارد؟

# چراغ راه آینده

الکاویرا تیموری | اسناد تاریخی به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند از حافظه جمعی بشر، نقش بی‌بدیلی در شناخت هویت، فرهنگ، تاریخ و مسیر تحول جوامع ایفا می‌کنند. این اسناد، اعم از دست‌نوشته‌ها، مکاتبات دولتی، قرارداده‌ها، نقشه‌ها، عکس‌ها و گزارش‌های رسمی، نه تنها روایتگر گذشته‌اند، بلکه چراغ راه آینده نیز محسوب می‌شوند. حفظ و نگهداری این اسناد نه یک اقدام تجملی، بلکه یک

# بیمارستانی که آرشیو شد

با وجود اینکه ایران ساختمانی به نام مرکز اسناد یا ساختمان آرشیو ملی دارد که بخشی از کتابخانه ملی ایران به شمار می‌رود اما مشکلی که وجود دارد این است که اسناد در ایران پراکنده است و یکجا جمع نشده است. هر موزه، کتابخانه، اداره و سازمانی بخشی مربوط به اسناد دارد که به شیوه‌های مختلف نگهداری می‌شود. در اصطلاح یک کاسه نبودن اسناد موجب دسترسی نامناسب به آنها و همین‌طور سلیقه‌ای عمل کردن در حفظ و حراست دارد در حالی که ساختمان آرشیوملی انگلستان که در دوران جنگ جهانی اول به عنوان بیمارستان استفاده و سپس مدتی یکی از ادارات وزارت کار در آنجا مستقر شد. بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان محل اسکان اسرای جنگی ایتالیایی و اقامت سربازان آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت.

مخزن آرشیو ملی از قفسه‌های ریلی متحرک در طرطفه نگهداری می‌شوند و راهرویی بین آنها ندارد و با باز شدن قفسه‌ها فضای راهرو مانند بین آنها ایجاد می‌شود. اسناد در جعبه و پوشه‌هایی فاقد مواد اسیدی قرار دارند که در مقابل عوامل محیطی از جمله نور، دما و رطوبت مقاوم هستند. در مواقع آتش‌سوزی به دلیل اینکه عدم وجود آب پاش‌های سقفی به لحاظ جلوگیری از آسیب اسناد، پس از تخلیه ساختمان، گازآرگون درفضا پخش می‌شود. این گاز بی‌رنگ و بو است و دراطفا حریق از آن استفاده می‌شود چرا که مانع رسیدن اکسیژن به آتش می‌شود.

بنای آرشیو ملی دربرابر آلودگی صوتی و حرارتی ایمن و تمام پنجره‌های دوجداره و سقف طبقه آخر نیز دپوشه است و سطح خارجی آن را ورقه‌های استیل پوشانده‌اند که به جهت انعکاس نور خورشید مانع گرم شدن فضای داخلی بنا شود. در تمام بنا سیستم‌های تهویه و کنترل دما و تشخیص دود با حساسیت و سرعت بالا نصب شده است و میزان حرارت و آلودگی ناشی از گرد و غبار موجود در مخازن که در اثر عوامل حرکتی ناشی از جابه‌جایی اسناد و رفت و آمد افراد ایجاد می‌شود، به طور دوره‌ای بررسی می‌شود. به این منظور در سال ۲۰۱۳ آرشیو برای سنجش آسیب دیدگی ناشی ازگرد و غبار موجود در محیط ۸۸ دستگاه و مانیتور سنجش گردوخاک در ۲ مخزن نصب و از نتایج و داده‌های به دست آمده برای بهینه‌سازی محیط مخازن و رساندن آلودگی محیطی به حداقل استفاده کردند. یکی دیگر از راه‌های کم کردن آلودگی و غبار موجود در مخازن و محیط آرشیو استفاده از جاروبرقی‌های مجهز به سیستم HEPA(فیلترهایی که ذرات معلق در هوا را نیز جذب می‌کنند) و دستمال‌های میکروفیبر می‌باشد که این بخش از کار نیز توسط کارشناسان مرمت و افراد آموزش دیده انجام می‌گیرد.

مرکز مرمت آرشیو ملی انگلستان که از مجهزترین و حرفه‌ای‌ترین‌ها در اروپاست در طبقه زیرزمین آرشیو با ردیف‌هایی از میزهای بزرگ کنار هم که ابزار کار مرمت از جمله ظرف‌های بزرگ روغن و چسب، دستگاه پرس چدنی، یک دستگاه برش (گیوتین) بزرگ، پارچه و کاغذهای مخصوص مرمت و صحافی مجهز شده است.



زنگ خطر جدی را برای متولیان فرهنگ و تاریخ به صدا درآورده است. بنابراین، حفاظت از اسناد تاریخی نیازمند اقداماتی جدی، تخصصی و نظام‌مند است؛ از جمله: دیجیتال‌سازی اسناد، نگهداری در شرایط استاندارد دما و رطوبت، آموزش نیروی متخصص، تدوین قوانین بازدارنده در برابر تخریب با سرعت و ایجاد دسترسی عمومی مناسب برای پژوهشگران. در نهایت، اسناد تاریخی متعلق به همه مردم‌اند، نه صرفاً دولت‌ها یا نهادهای خاص. آنان که تاریخ خود را فراموش می‌کنند، محکوم به تکرار اشتباهات گذشته‌اند. پس حفاظت از این اسناد، حفاظت از ریشه‌ها، هویت و آینده یک ملت است.

با استناد به اسناد تاریخی حل و فصل می‌شوند. به‌عنوان مثال، در اختلافات مرزی یا مالکیت فرهنگی، ارائه اسناد تاریخی معتبر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. همچنین، شفافیت در عملکرد دولت‌ها و نهادهای حکومتی از طریق آرشیوهای قابل دسترسی، یکی از مولفه‌های کلیدی حکمرانی خوب است. با این حال، اسناد تاریخی همواره در معرض تهدیدهایی چون نابودی فیزیکی، سرقت، سهل‌انگاری، بلاایای طبیعی، امحای غیرقانونی یا حتی سوءاستفاده سیاسی قرار دارند. در سال‌های اخیر، مواردی از آتش‌سوزی، آب‌گرفتگی یا حتی تخریب عمدی اسناد در برخی مراکز نگهداری در ایران و جهان،



## لوکر امبورگ پرچم قرمز را برای دارایی‌های دیجیتال برافراشت

دولت لوکزامبورگ در گزارش ملی ارزیابی ریسک سال ۲۰۲۵، شرکت‌های فعال در حوزه دارایی‌های دیجیتال (VASPs) را به‌عنوان نهادهایی با ریسک بالا برای پولشویی معرفی کرده است. این گزارش تأکید می‌کند که ماهیت ذاتاً پرریسک این شرکت‌ها ناشی از عواملی همچون حجم بالای تراکنش‌ها، دسترسی گسترده به مشتریان، کانال‌های توزیع متنوع، ساختارهای قانونی پیچیده و فعالیت‌های بین‌المللی آن‌هاست.

در ارزیابی مشابه سال ۲۰۲۰ نیز، این دسته از شرکت‌ها به‌عنوان یک ریسک نوظهور شناخته شده بودند و در گزارش ۲۰۲۲، ریسک مرتبط با رمزارزها و دارایی‌های مجازی «بسیار بالا» اعلام شد. یکی از دلایل این ریسک بالا، ماهیت اینترنتی و فرامرزی این دارایی‌ها عنوان شده است. اتحادیه اروپا که لوکزامبورگ از اعضای بنیانگذار آن است، در حال تدوین و اجرای قوانین یکپارچه برای صنعت رمزارزها است. چارچوب قانونی «بازار دارایی‌های رمزارزی» یا MiCA، تلاش دارد مقررات مرتبط با کریپتو را در تمامی ۲۷ کشور عضو اتحادیه متحد کند. از ژانویه سال جاری، ارائه‌دهندگان خدمات کریپتو در حال دریافت مجوزهای لازم برای فعالیت قانونی در اتحادیه اروپا هستند. در ماه مه، صرافی Kraken معاملات مشتقه تحت نظارت را آغاز و صرافی Crypto.com نیز مجوز مشابهی دریافت کرد. چارچوب MiCA همچنین الزامات جدیدی را برای استیبل کوین‌ها وضع کرده است. شرکت Tether، ارائه‌دهنده استیبل کوین USDT، از پذیرش این قوانین خودداری کرده و در نتیجه از پلتفرم‌های اروپایی صرافی‌های Crypto.com، Coinbase و Binance حذف شده است.

افزایش استفاده از رمزارزها در نظام مالی جهانی، محبوبیت آن‌ها را برای پولشویی نیز بیشتر کرده است. به‌تازگی، پلیس هنگ کنگ ۱۲ نفر را به اتهام مشارکت در یک شبکه پولشویی فرامرزی با استفاده از رمزارز و بیش از ۵۰۰ حساب بانکی صوری بازداشت کرد که در مجموع بیش از ۱۵ میلیون دلار پولشویی انجام داده بودند. همچنین در اروپا، نیروهای امنیتی ۱۷ نفر را در ارتباط با یک «بانک مافیایی کریپتویی» بازداشت کردند که بیش از ۲۱ میلیون یورو از طریق رمزارز برای شبکه‌های مجرمانه خاورمیانه و چین پولشویی کرده بودند. در جریان این عملیات، اموال متعددی شامل وجه نقد، رمزارز، ۱۸ خودرو، چهار اسلحه شکاری و تعدادی دستگاه الکترونیکی توقیف شد.

## پوکت، بهشت رمزارزی گردشگران می‌شود

دولت تایلند در راستای مدرن‌سازی نظام مالی و جذب گردشگران فناوری‌دوست، طرحی آزمایشی را برای پذیرش پرداخت‌های رمزارزی در جزیره پوکت آغاز کرده است. این ابتکار که توسط معاون نخست‌وزیر و وزیر دارایی، پیچای چونهاواچیرا، اعلام شد، به گردشگران خارجی امکان می‌دهد تا با استفاده از رمزارزهایی مانند بیت‌کوین، پرداخت‌های خود را انجام دهند. در این فرآیند، فروشنده‌گان مبلغ معادل را به واحد پول ملی (بات) دریافت می‌کنند، بدون اینکه درگیر نوسانات بازار رمزارز شوند.

این طرح آزمایشی در چارچوب قوانین موجود اجرا می‌شود و نیازی به اصلاحات قانونی ندارد. گردشگران برای استفاده از این خدمات باید دارایی‌های دیجیتال خود را از طریق صرافی‌های مجاز تایلندی ثبت و احراز هویت کنند. در کنار این اقدامات، دولت تایلند برنامه‌ای جامع برای اصلاح قوانین بازار سرمایه در دست بررسی دارد. پیچای چونهاواچیرا اعلام کرد که دولت قصد دارد قوانین مربوط به بازار سرمایه سنتنی و دارایی‌های دیجیتال را که هم‌اکنون به‌صورت جداگانه تحت نظارت هستند، یکپارچه کند. این اقدام با هدف ایجاد چارچوب قانونی منسجم‌تر و تسهیل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در هر دو حوزه انجام می‌شود. علاوه بر این، دولت در حال بازنگری در محدودیت‌های موجود برای سرمایه‌گذاران نهادی مانند شرکت‌های بیمه عمر و صندوق‌های بزرگ است که در حال حاضر عمدتاً محدود به سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی هستند. تغییرات پیشنهادی ممکن است به این نهادها اجازه دهد تا در سهام و دارایی‌های بخش خصوصی نیز سرمایه‌گذاری کنند که می‌تواند به تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری و افزایش بازدهی کمک کند.

## پلکاس به بنیاد TON پیوست

نیکولا پلکاس، مدیر اجرایی سابق ویزا در حوزه رمزارز، به‌عنوان معاون جدید پرداخت‌ها به بنیاد TON پیوست. هدف از این انتصاب، پیشبرد استراتژی جهانی پرداخت در شبکه TON و تقویت زیرساخت‌ها و تجربه کاربری در تعامل میان رمزارز و پول سنتی است. بنیاد TON، نهادی که بر توسعه شبکه The Open Network (TON) نظارت دارد، «نیکولا پلکاس» را به‌عنوان معاون جدید پرداخت‌ها منصوب کرده است. او قرار است رهبری استراتژی جهانی پرداخت TON را بر عهده گیرد. بنا بر بیانیه‌ای که در اختیار رسانه The Block قرار گرفته، پلکاس در نقش جدید خود وظیفه دارد تا همکاری‌های مرتبط با اپلیکیشن‌های مبتنی بر TON و پیام‌رسان تلگرام را مدیریت کرده و با استراتژی انطباق با قوانین نظارت داشته باشد. پلکاس در ایمیلی گفت: «ما توجه به اینکه پرداخت‌ها به بخش مهم‌تری از اکوسیستم TON تبدیل شده‌اند، منطقی بود که یک رهبری اختصاصی برای این حوزه ایجاد شود. هدف این نقش، تسریع توسعه قابلیت‌های پرداخت در TON است.» او افزود که در ماه‌های نخست، تمرکز اصلی بر تدوین چشم‌اندازی شفاف برای پرداخت‌ها در اکوسیستم TON خواهد بود. به گفته او، یکی از اهداف مشخص، ساده‌سازی مسیرهای ورود و خروج پول on-ramp و off-ramp است تا کاربران بتوانند راحت‌تر میان پول سنتی (فیات) و رمزارزها جابه‌جا شوند.

پلکاس پیش از این، در شرکت Visa سمت‌های کلیدی در زمینه رمزارزها داشته، از جمله به‌عنوان مدیر ارشد توسعه کسب‌وکار رمزارز در اروپا و مدیر ارشد تجاری‌سازی محصولات جدید در بخش رمزارز ویزا. او اکنون با «مکس کراون»، مدیرعامل بنیاد TON همکاری نزدیک خواهد داشت. کراون در آوریل به TON پیوست و پیش از آن، یکی از بنیان‌گذاران و مدیر ارشد مالی و عملیاتی پلتفرم پرداخت رمزارز MoonPay بود. کراون در بیانیه‌ای گفت: «برداشت‌ها محور اصلی مأموریت TON برای ارائه خدمات غیرمتمرکز به کاربران عادی هستند. نیکولا با تخصص بالا در صنعت و دیدگاه روشن برای گسترش زیرساخت پرداخت، همان کسی است که برای رشد جهانی TON به آن نیاز داریم.» شبکه TON یک بلاک‌چین لایه‌اول است که برای استفاده در پیام‌رسان تلگرام طراحی شده است. توکن این شبکه، Toncoin، هم‌اکنون ارزش بازار حدود ۷.۵ میلیارد دلار دارد.



## کاربران رمزارزها در انتظار تصمیمی هستند که آینده مالی‌شان را رقم می‌زند

مدیران خیابان شریعتی از مدل مشارکتی و چند نهادی دفاع می‌کنند.

آنها مدعی‌اند برای سیاست‌گذاری موثر در این عرصه، باید نهادهای فناوریانه، اقتصادی، حقوقی و حتی امنیتی کنار هم بنشینند

مدیران ساختمان میرداماد حتی با رافتر گذاشتند و به‌طور تلویحی هشدار دادند که دخالت سایر نهادهای، خصوصاً وزارت ارتباطات یا وزارت صمت، چیزی شبیه بازی با آتش است

حوزه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بلاتکلیفی نهادی در تنظیم‌گری، یعنی فضا برای فعالیت سکوهای غیررسمی، نوسان‌گیری‌های مشکوک، پولشویی و حتی تقلب گسترده باز می‌ماند.

کاربران رمزارزها، چه فعال در صرافی‌های ایرانی و چه کاربران پلتفرم‌های بین‌المللی، در انتظار تعیین تکلیف این کشمکش نهادی هستند؛ کشمکشی که اگر به درستی حل نشود، ممکن است منجر به فروپاشی اعتماد عمومی در این بازار شود.

## آیا باید منتظر «مرجع رمزارزی» باشیم؟

اکنون که یک سال فرصت برای تنظیم‌گری موقت تعیین شده، شاید زمان مناسبی باشد تا در این فاصله، نقشه راهی برای تعیین مرجع تخصصی، شفاف و پاسخگو در حوزه رمزارزها تدوین شود. اگر بانک مرکزی بتواند خود را با فناوری وفق دهد و از رویکرد صرفاً امنیتی فاصله بگیرد، شاید همچنان گزینه اول باقی بماند. اما اگر وزارت ارتباطات بتواند بدنه کارشناسی خود را با نیروهای اقتصادی و حقوقی تقویت کند، شاید صحنه بازی تغییر کند.

آنچه مسلم است، رمزارزها فقط یک فناوری نیستند؛ آنها با پول مردم، اعتماد عمومی، امنیت اقتصادی و حتی سیاست‌گذاری ارزی کشور گره خورده‌اند. این بازی، بازی بزرگان است و هر اشتباه کناری که درگیر معاملات خرد می‌تواند تبعات بزرگ و غیرقابل بازگشتی به دنبال داشته باشد.

## مروار هفته

این اقدام در حالی انجام شده که نهادهای مرکزی شبکه اقدام به فریز کردن ۱۶۲ میلیون دلار از وجوه دزدیده شده کرده‌اند؛ اتفاقی که بحث تمرکزگرایی بیش از حد در برخی بلاک‌چین‌ها را دوباره مطرح کرده است (CryptoSlate).

## بازگشت به روان‌شناسی بازار

اگر بخواهیم تصویر کلی بازار را ترسیم کنیم، می‌توان گفت که بیت‌کوین در حال آزمودن سطح حمایتی مهمی است. تحلیل‌گران تکنیکال معتقدند اگر سطح ۱۰۵ هزار دلار حفظ شود، احتمال بازگشت قیمت به بالای ۱۱۰ هزار دلار زیاد است. از سوی دیگر، بسیاری از شاخص‌های احساسات بازار (مثل نسبت اختیار خرید به فروش) همچنان به نفع گاوهای بازار است. به زبان ساده‌تر: ترس کوتاه‌مدت هست، اما زیر پوست بازار امید بلندمدت زنده است.

## همه‌چیز در گرو ۷ روز آینده

رمزارزها در هفته پیش رو با ترکیبی از ریسک‌های سیاسی، فرصت‌های نهادی و نبردهای فنی مواجه‌اند. قدرت ETF‌ها، بازی مشتقات و جدایی چهره‌های کلیدی همگی به‌گونه‌ای کنار هم نشست‌اند که هفته آینده را به یکی از تعیین‌کننده‌ترین هفته‌های سال تبدیل کرده‌اند. آیا بیت‌کوین با کمک جریان سرمایه نهادی به بالای ۱۱۰ هزار بازمی‌گردد؟ یا ترس و فروش ادامه‌دار قیمت را به زیر ۱۰۵ هزار خواهد کشاند؟ شاید تنها یک چیز قطعی باشد: بازار رمزارزها هنوز هم غیرقابل پیش‌بینی‌ترین میدان سرمایه‌گذاری در جهان باقی مانده است.

## مُسکن موقت یا صحنه‌سازی برای انحصار؟

ورود کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی، فعالان نزاع را وارد یک فاز مُسکنی کرده است. کارگروهی با حضور نهادهای اقتصادی، قضایی، اطلاعاتی و فناوریانه شکل گرفته تا برای یک سال، نقش تنظیم‌گر موقت را بازی کند. اما همه می‌دانند که این یک تصمیم موقتی است، نوعی تعویق اختلاف. پس از پایان یک سال، باید «تنظیم‌گر رسمی» مشخص شود. آن لحظه، زمان تعیین برنده دوئل خواهد بود؛ فرزین از خیابان میرداماد یا زارع‌پور از خیابان شریعتی؟

حتی ترکیب این کارگروه هم پُر از ابهام است. از یک سو وزارت اطلاعات، سپاه، دادستانی و پلیس فتا در آن حضور دارند؛ یعنی ابعاد امنیتی و قضایی جدی گرفته شده. از سوی دیگر، سازمان بورس، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی هم در جمع هستند که شائبه «چندگانگی مرجع» را تقویت می‌کند. آن هم در شرایطی که به گفته بسیاری از کارشناسان، زیست‌بوم رمزارزها بیش از هر چیز نیازمند شفافیت، انسجام مقررات و پیش‌بینی‌پذیری قانونی است.

## جنگ قدرت، دور از چشم کاربران

در این میان، شاید صدای اصلی که شنیده نمی‌شود، صدای میلیون‌ها کاربر ایرانی رمزارزهاست؛ کسانی که درگیر معاملات خرد می‌باشند و به واسطه نوسانات و مقررات نامطمئن، سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند و هر روز با ریسک‌های قانونی، فنی و حتی امنیتی این

مدیران خیابان شریعتی از مدل مشارکتی و چند نهادی دفاع می‌کنند.

آنها مدعی‌اند برای سیاست‌گذاری موثر در این عرصه، باید نهادهای فناوریانه، اقتصادی، حقوقی و حتی امنیتی کنار هم بنشینند

## نبرد تکنوکرات‌ها در میدان دارایی‌های دیجیتال

اگر از سطح بیانیه‌ها کمی پایین‌تر بیاییم، آنچه در حال وقوع است، چیزی شبیه نزاع «بدنه‌های کارشناسی» برای فتح یک قلمرو نوظهور است. وزارت ارتباطات می‌گوید چون رمزارزها وابسته به زیرساخت دیجیتال هستند، بنابراین بخش بزرگی از این حوزه در اختیار آنهاست. اما آیا هر آنچه فناوریانه است، لزوماً باید در سیطره وزارت ارتباطات باشد؟ پاسخ مخالفان این است: پس چرا این وزارتخانه تنظیم‌گر تاکسی‌های اینترنتی، سامانه‌های ادواج یا پلتفرم‌های فروش طلا نیست؟ مگر آنها هم دیجیتال نیستند؟

حقیقت این است که وزارت ارتباطات کارشناسان خبره‌ای در زمینه شبکه، زیرساخت، دیتاسنتر و فناوری اطلاعات دارد، اما در مواجهه با مفاهیم اقتصادی، مالی و حتی حقوقی رمزارزها، هنوز نتوانسته تصویر روشنی از توان تخصصی خود ارائه کند.

از طرف دیگر، بانک مرکزی هر چند سال‌ها

مواجهه با فناوری رمزارزها کند و بعضاً محتاط بوده‌ام در حوزه کنترل، نظارت مالی و ابزارهای پرداخت، یک مرجع سنتی و مقتدر محسوب می‌شود.

مهدی خاکی فیروز

دبیر گروه اقتصاد

در یکی از پرحاشیه‌ترین جلسات روز گذشته، کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی چراغ سبز تشکیل یک کارگروه موقت برای تنظیم‌گری سکوهای تبادل رمزاربی‌ها را روشن کرد؛ اتفاقی که آتش اختلاف میان دو غول اجرایی کشور یعنی بانک مرکزی و وزارت ارتباطات را شعله‌ورتر کرد. هرچند در ظاهر هدف این کارگروه، مدیریت موقت یک ساله در حوزه رمزارزهاست اما واقعیت این است که ماجرا فراتر از یک کارگروه است؛ این رقابتی است برای تصاحب «حق انحصاری فرماندهی» در یکی از حساس‌ترین حوزه‌های اقتصاد دیجیتال ایران.

بسترهای فنی؟ بله. نظارت بر فناوری؟ حتماً. اما مجوزدهی و تنظیم‌گری؟ خط قرمز مطلق.

## وزارت ارتباطات: بیت‌کوین ربطی به شما ندارد!

در مقابل، وزارت ارتباطات اما حاضر نیست این میدان بازی را به‌سادگی واگذار کند. پاسخ‌ش روشن بود: «بانک مرکزی تنها برای قانون بانک مرکزی است که فقط به «رم‌پول» اختصاص دارد. بیت‌کوین و اتریوم تابع دولت‌ها نیستند و خارج از حیطه شما هستند.» این موضع‌گیری، انطوری که از بیانیه رسمی این وزارتخانه برمی‌آید، بر اساس برداشت خاصی از قانون بانک مرکزی است که فقط به «رم‌پول» اختصاص دارد.

مدیران ساختمان میرداماد حتی با رافتر گذاشتند و به‌طور تلویحی هشدار دادند که دخالت سایر نهادهای، خصوصاً وزارت ارتباطات یا وزارت صمت، چیزی شبیه بازی با آتش است. چرا؟ چون رمزارزها، به‌عزم آنها، مستعد «جرایم مالی»، فرار سرمایه و برهم زدن ثبات اقتصادی کشور» هستند.

از نگاه بانک مرکزی، تمام نهادهای دیگر صرفاً باید نقش مشاور را ایفا کنند؛ نه بیشتر.

## آشفته‌گی در بهشت دیجیتال

بازار رمزارزها در سایه تهدیدهای ترامپ، موج ETF‌ها و ناپایداری آلت‌کوین‌ها

نوید ایران بهار

هفت صبح

در حالی که قیمت بیت‌کوین در هفته‌های اخیر با قدرت مرزهای روانی ۱۱۰ هزار دلاری را شکسته بود، تهدیدهای تجاری تازه دونالد ترامپ و موجی از فروش گسترده در بازار باعث شد تا معامله‌گران با دلهره تازم‌ای مواجه شوند. طی هفته گذشته بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از موقعیت‌های خرید بازار لیکوئید شد و دنیای رمزارزها دوباره با سوالی همیشگی روبه‌رو شد: «آیا این پایان روند صعودی است یا صرفاً یک اصلاح دیگر؟»

مثبت دیگر در حال رقم خوردن است: ورود گسترده پول به صندوق‌های ETF بیت‌کوین. تنها در ۱۰ روز گذشته، وارد ETF‌های بیت‌کوین در آمریکا شده است. بیشترین سهم این جریان را صندوق BlackRock با نماد IBIT داشته که فقط در یک روز ۴۳۰ میلیون دلار ورودی داشته است (CoinTelegraph). این در حالی است که هفته گذشته کل ورودی ETF‌ها ۶۰۰ میلیون دلار بود.

سرمایه‌گذاران نهادی همچنان با اطمینان وارد بازار می‌شوند، حتی زمانی که نوسانات شدید و اخبار سیاسی به بازار فشار وارد می‌کند. این موضوع باعث شده برخی تحلیل‌گران معتقد باشند سقوط فعلی بازار بیشتر تحت تأثیر ترس کوتاه‌مدت و نه نشانه‌ای از پایان روند صعودی است.

## ماراتن ۱۳.۸ میلیارد دلاری در بازار مشتقات

در روزهای آینده، بازار رمزارزها با یکی از بزرگ‌ترین سررسیدهای قراردادهای اختیار معامله (اپشن‌ها) روبه‌رو است: چیزی حدود ۱۳.۸ میلیارد دلار قرارداد در پایان ماه می (۹ خرداد) منقضی خواهد شد. تحلیل‌گران می‌گویند اگر بیت‌کوین بتواند تا آن زمان خود را بالای ۱۱۰ هزار دلار برساند، خریداران اختیار خرید (Call) حدود ۴.۸ میلیارد دلار سود شناسایی خواهند کرد، در حالی

## شوک ترامپی به بازار

در پی شوک تعرفه‌های ترامپ بیت‌کوین که تا هفته گذشته به حوالی ۱۱۱ هزار دلار رسیده بود، در عرض چند ساعت به زیر ۱۰۸ هزار دلار سقوط کرد و بیش از ۱۸۱ میلیون دلار از موقعیت‌های آتی بیت‌کوین در صرافی‌های بزرگ از بین رفت (CoinDesk).

این افت قیمت نه تنها بیت‌کوین، بلکه کل بازار رمزارزها را درگیر خود کرد. آلت‌کوین‌هایی مثل دوج‌کوین، آدا (کاردانو) و رپبل بین ۶ تا ۷ درصد از ارزش خود را در کمتر از ۱۲ ساعت از دست دادند.

## صعود ETF‌ها در دل سقوط بازار

در تضاد با فضای منفی بازار، یک اتفاق

**محور میامی-سبزوار به دلیل تخلفات سرعت و تصادفات خودرو به بزرگ ترین تهدید زیستگاه و مرگ یوزپلنگ آسیایی است**

## جاده مرگ یوزپلنگ

ذخیره گاه زیست کره توران در شرق استان سمنان زیستگاه اصلی یوزپلنگ آسیایی محسوب می شود. آمار اداره کل راهداری استان گویای این شگفتانه در دآور است که بیشترین میزان تخلف سرعت غیر مجاز خودروها در محورهای ارتباطی استان در محور میامی- سبزوار ثبت می شود؛ جاده ای که از دل توران می گذرد و به «جاده مرگ یوزها» شهرت دارد.

به گفته مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست کشور، فقط ۱۷ قلاده شناسنامه دار یوزپلنگ آسیایی باقی مانده است که گونه ای «به شدت در معرض خطر انقراض» شناخته می شود و تنها مامن و زیستگاه پویای آن در قاره آسیا ایران است.

انحصار حوزه زیستی این گونه ارزشمند در زیستگاه های استان های سمنان، خراسان شمالی و خراسان رضوی قرار دارد و باید نسبت به هر گونه مسئله ای که زیستگاه این گونه را به خطر می اندازد باید هوشیار بود.

منطقه توران یا خار توران در شهرستان شاهرود و میامی در شرق استان سمنان، یکی از سه منطقه حفاظت شده ایران با مساحت یک میلیون و ۴۷۰ هزار هکتار، خاستگاه زیست یوزپلنگ به شمار می رود. بخشی از این منطقه حفاظت شده حداقل میبانشدت- میامی در محور مواصلاتی تهران- مشهد قرار دارد و بزرگترین قربانگاه جاده ای یوز ایرانی محسوب می شود.

#### هفت مرگ تلخ

طرح های مختلفی شامل حصار کشی جاده اصلی تهران- مشهد، خرید مراتع برای خالی کردن منطقه از دام و سنگ های گله، تمهید تهیه شکار و نصب دوربین کنترل سرعت، از طرح های مهم حفاظت از این گونه مهم و خوش خط و خال است که از سوی مسئولان در قالب طرح ها و در دوره های مختلف در استان سمنان دنبال شده است.

مهمترین عامل مرگ یوزپلنگ آسیایی در ایران تصادف با خودرو عنوان شده. هفت قلاده یوزپلنگ بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ در محور میبانشدت - عباس آباد در جاده میامی- سبزوار در مسیر اصلی تهران- مشهد در شرق استان سمنان بر اثر تصادف باخودرو در جاده تلف شدند. تابستان ۱۴۰۱ یک قلاده یوزپلنگ ماده و سال ۱۴۰۲ نیز ۲ قلاده یوزپلنگ بر اثر تصادف در همین جاده از دست رفتند. در مجموع تعداد ۱۳ قلاده از این گونه ارزشمند در این جاده به خاطر تصادفات تلف شدند. اهمیت کمک به ادامه حیات یوزپلنگ آسیایی به ویژه مراقبت از یوز در مقابل عبور خودروها در محور اصلی شرقی- غربی کشور از همین آمار پیداست.

شگفتانه در دآور اینجاست که محور میامی- سبزوار در بین محورهای ارتباطی در استان سمنان، طبق آمار سامانه های ترددشمار اداره کل راهداری، بیشترین میزان تخلف سرعت غیر مجاز خودروها را در اردیبهشت ۱۴۰۴ به خود اختصاص داده است.

#### تخلف سرعت غیرمجاز

رئیس مرکز مدیریت راههای اداره کل راهداری و حمل و نقل جادهای استان سمنان از ثبت بیش از سه میلیون ۴۵۰ هزار تردد بین استانی وسایل نقلیه در محورهای استان سمنان طی اردیبهشت ۱۴۰۴ خبر داد. مهدی مقیمی گفت: آمار سامانه های ترددشمار اداره کل راهداری استان سمنان گویای این است که تردد بین استانی در محورهای سمنان نسبت به سال گذشته هشت درصد افزایش داشت. بر اساس آمار احصا شده از سامانه های ترددشمار اداره کل راهداری استان سمنان بیشترین سهم تخلف سرعت غیرمجاز در این مدت در محور میامی- سبزوار ثبت شد. این مسئول متوسط تردد ساعتی در محورهای ورودی استان سمنان را ۲ هزار و ۳۱۷ وسیله نقلیه اعلام و خاطر نشان کرد: متوسط تردد ساعتی طی اردیبهشت ۱۴۰۴ در محورهای خروجی استان نیز ۲ هزار و ۳۰۰ وسیله نقلیه بود.



براساس حکم قلع و قمع نداریم، اظهار کرد: سعی می کنیم دادخواست ها و شکوائیه ها به گونه ای تنظیم شود که به جای قلع و قمع نسبت به ضبط اعیان به نفع دولت حکم صادر شود. یکی از موضوعاتی که برای سازمان منابع طبیعی مهم است، کاشت و نگهداری نهال چه مثمر و چه غیرمثمر است.

او توضیح داد: متأسفانه برخی از افرادی که به صورت غیرقانونی عرصه های منابع طبیعی را تصرف می کنند، درختان مثمری را در این عرصه ها می کارند. در نهایت قاضی برای بازگرداندن اراضی به منابع طبیعی حکم قلع و قمع صادر می کند و منابع طبیعی وظیفه اجرای حکم قاضی را بر عهده دارد. تیموری با اشاره به قیلم منتشرشده از قطع نهال ها در شهر گرمی اردبیل گفت: من با مدیر کل منابع طبیعی استان اردبیل صحبت کردم. نهال های قطع شده چند ساله نبودند و مدت زیادی از کاشت آن ها گذشته بود و کوچک بودند و به علت صدور حکم قلع و قمع باید این اتفاق می افتاد.

#### علاقه ای به قطع درختان مثمر نداریم

رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری با بیان اینکه خودمان علاقه ای به قطع درختان مثمر

### زیست بوم

#### کدام استان ها

بیشترین وسعت تخریب را داشتند؟
معاون سازمان مدیریت بحران با اشاره به اینکه مشارکت مردم، راهکار کلیدی مقابله با آتش سوزی در جنگل ها است، گفت: سال گذشته حدود ۴۷ هزار هکتار از جنگل ها و مراتع کشور طعمه حریق شد. به گفته ظفری، بیشترین وسعت تخریب این آتش سوزی ها در استان های کرمانشاه (۲۲ درصد)، ایلام (۱۵ درصد)، لرستان (۱۳ درصد)، فارس (۱۲ درصد) و کهگیلویه و بویراحمد (۸ درصد) رخ داده است.

وی با ابراز نگرانی از روند افزایش آتش سوزی ها در سال جاری و تمرکز آن ها در جنگل های ارزشمند زاگرس، تاکید کرد: بررسی راه های کاهش آتش سوزی در زاگرس باید در اولویت کارهای ما باشد. معاون سازمان مدیریت بحران بر نقش حیاتی مردم، گر وهای جهادی و سازمان های مردم نهاد در مقابله با این بحران تاکید کرد و گفت: همانطور که در دوران دفاع مقدس مردم با تمام توان وارد میدان شدند، حالا هم باید برای حفاظت از جنگل ها و مراتع کشور مان، به خصوص در مناطق زاگرس، وارد عمل شوند و نقش پررنگ خود را ایفا کنند.

مدیر کل دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی یکی از نیازهای دیگر در این زمینه را نیز برمی شمرد و می افزود: ما نیاز داریم با لگردها کانکسی را با خود حمل کند و به عرصه برساند تا همکاران بتوانند از آب و غذا استفاده کنند. این اقدامات مغفول باقی مانده بود که حالا سازمان منابع طبیعی ورود کرده و اجرایی شده است. منابع طبیعی تنهاست و تنهایی نمی تواند اهداف خود را عملیاتی کند و نیاز به کمک دارد. مدیر کل دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی یکی از اصلی ترین چالش های موجود را حضور انسان در عرصه های منابع طبیعی عنوان می کند: حدود ۹۵ درصد آتش سوزی های جنگلی را انسان ایجاد کرده این در حالیتی که مشارکت مردمی یکی از نیازهاست. تا چه زمان باید به فکر عملیات اطفای حریق و پس از اطفاء باشیم اما از جان باختگان غافل بود؟

### زاگرس در حال فروپاشی است؛ آتش سوزی ها، تغییرات اقلیم و فعالیت انسانی

### حیات جنگل های بلوط را تهدید می کنند

# بلوط های زاگرس خاطره می شوند

#### بیش از ۶۰ درصد جنگل های زاگرس از نظر تاج پوشش در وضعیت بحرانی قرار دارند

#### سال گذشته حدود ۴۷ هزار هکتار از جنگل ها و مراتع کشور طعمه حریق شد

#### احمد رضا محمودی | در دل کوهستان های

سر به فلک کشیده ایران، جنگل های زاگرس همچون نگینی سبز بر پهنه طبیعت می درخشند. این جنگل های کهن، که از دیرباز نقش حیاتی در زیست بوم منطقه ایفا کرده اند، امروز با چالش های سهمگینی روبه رو هستند. شاخه های بلوط های پیر که زمانی با افتخار به آسمان قد می کشیدند، اکنون زیر سایه تهدیدهای مداوم سر خم کرده اند؛ تهدیدهایی که ریشه در آتش سوزی های مهیب، تغییرات اقلیمی بی رحمانه و دخالت های انسانی نابخردانه دارند.

هنگامی که در دل این جنگل ها قدم می گذارید، صدای خش خش برگ های خشک شده زیر پاهایتان، گویی پژواکی از هشدار طبیعت است. هوای گرم و سنگین، نشانه ای از کاهش رطوبت و بحران کم آبی و سکوت سنگین میان درختان یادآور آن است که آواز پرندگان این سرزمین در سایه نابودی محو شده است. خاکی که روزگاری حاصلخیز بود، اکنون به واسطه فرسایش شدید، ترک برداشته و توان نگهداری از ریشه های تنومند را از دست داده است.

وی با اشاره به این موضوع که عمده جنگل های زاگرس دارای تنوع ژنتیکی بلوط است به قدرت و مقاومت این گونه اشاره می کند و ضمن تشبیه این خصلت به مردم زاگرس نشین توضیح می دهد: باید به این نکته توجه داشت که هر مقاومتی دارای درجه تحملی است. اگر چه بلوط ها همچنان هم وضعیت قابل قبول دارند اما در بعضی نقاط عملا با فرسایش ژنتیکی مواجه شدند.

با زوال اکوسیستم روبه رو شده ایم؛ نه زوال بلوط و... هر گونه حرکت بدون سنجش موجب تشدید این زوال و آتش سوزی و... خواهد شد. شعبانیان به بازسازی بلوط اشاره کرد و گفت: اگرچه بلوط نشان داده که بسیاری موارد خود را بازسازی کرده است که اما حالا زاگرس دچار این معضل شده که میزان تولید درختان جنگل ها کمتر از مصرف آن ها شده است.

#### انسان، عامل ۹۵ درصد آتش سوزی های جنگلی

در سال های اخیر، آتش سوزی های گسترده به یکی از مهم ترین چالش های جنگل های زاگرس تبدیل شده اند. این اتفاقات نه تنها موجب از بین رفتن پوشش گیاهی، بلکه باعث فرسایش خاک، کاهش منابع آبی و افزایش گردوغبار نیز شده اند. علاوه بر این، چرای بی رویه دام، قطع درختان برای تأمین سوخت و تغییر کاربری اراضی نیز در روند نابودی این جنگل ها نقش داشته اند. بسیاری از جوامع محلی به دلیل مشکلات اقتصادی، به بهره برداری غیر مجاز از منابع طبیعی روی آورده اند، که این امر موجب کاهش زادآوری طبیعی درختان و نابودی تدریجی اکوسیستم شده است.

مهرداد اکبریان، مدیر کل دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی بر لزوم اتخاذ راهکار برای مدیریت آتش سوزی های جنگلی تاکید می کند: اگرچه قوانین موضوعی حاکمیتی است اما تجهیزات پاشنه آشیل اطفای حریق جنگل هاست.



ارائه برنامه عملیاتی و با قابلیت رصد و پایش میزان پیشرفت طرح های کیفی سازی سوخت تولیدی در پالایشگاه های کشور توسط وزارت نفت، ارائه برنامه اولویت توزیع و مصرف سوخت در فصول سرد سال به منظور کم کردن اثرات مصرف نفت کوره در نیروگاه ها بر آلودگی هوای کلانشهرها، توسط وزارت خانه های نفت و نیرو و پیگیری موضوع گوگردزایی از نفت کوره توسط شرکت های دانش بنیان و ارائه نتایج انجام می شود.

وی ادامه می دهد: همچنین استفاده از سیستم های کنترلی نوین در خروجی صنایع و نیروگاه ها است که موضوع با چند شرکت دانش بنیان در حال پیگیری است. مطابق موارد مطرح شده در بند، هماهنگی بین سازمان و وزارت نفت و نیرو به منظور کاهش اثرات مصرف مازوت در دستور کار قرار دارد که به تبع آن جلسات کارشناسی درخصوص موضوع گوگردزایی از نفت کوره و همچنین نمونه برداری جهت بررسی نتایج اقدامات صورت می گیرد.

### ذره بین

## سازمان حفاظت محیط زیست در لیست سیاه!

### متولی آلودگی هوا به اطلاعات مازوت سوزی دسترسی ندارد

در سال های اخیر، مازوت سوزی به یکی از چالش های مهم زیست محیطی و بهداشتی در ایران تبدیل شده است؛ مازوت سوزی نه تنها هوا را آلوده می کند، بلکه هزینه های جبران ناپذیری به نظام سلامت کشور وارد می سازد. افزایش بیماری های قلبی، ریوی، آسم و حتی مرگ زودرس، از تبعات مستقیم افزایش آلاینده های ناشی از این سوخت هستند. بر اساس برآورد برخی نهادها، سالانه هزاران نفر در ایران به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند.

صدیقه ترابی، معاون انسانی سازمان حفاظت محیط زیست درخصوص میزان مصرف مازوت در نیروگاه ها به فارس می گوید که درخصوص داده های میزان مصرف سوخت از جمله مازوت در نیروگاه ها و صنایع، سامانه ای در وزارت نیرو ایجاد شده و این داده ها در سامانه ثبت و ضبط می شود و تاکنون دسترسی به سازمان جهت دسترسی به این اطلاعات داده نشده است که عدم اجرای مصوبه چهارمین جلسه کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا است. ترابی توضیح می دهد: بنابر این بر اساس نیازهای سازمان به صورت موردی گزارش های مورد نیاز از وزارت نیرو و نفت دریافت شده و به

صورت سالانه گزارش مصرف سوخت نیروگاه ها مستقیما از وزارت نیرو و توزیع سوخت از وزارت نفت گرفته می شود. همچنین برای صحت سنجی داده ها اطلاعات مصرف سوخت از طریق ادارات کل محیط زیست از نیروگاه ها به صورت ماهانه و در شرایط اضطرار به صورت هفتگی دریافت می شود.

ترابی در پاسخ به اینکه چه میزان از آلودگی هوا در فصل سرد مربوط به مازوت سوزی است، یادآور می شود: باتوجه به عدم دسترسی سازمان به سامانه پایش مستمر میزان سوخت، محاسبه سهم مازوت سوزی در آلودگی هوا محاصل بررسی گزارش های دریافتی به تبع بحران های ایجاد شده و همچنین مطالعات سیاهه انتشار آلاینده های هوا و مدلسازی پراکنش آنهاست. از طرفی سهم مازوت سوزی باید در کنار سایر منابع آلاینده مانند حمل و نقل و پسماند سوزی دیده شود. بنابر این موضوع سیاهه انتشار در دستور کار سازمان قرار گرفته و به زودی گزارش آن به کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا ارائه خواهد شد.

معاون انسانی سازمان حفاظت محیط زیست توضیح می دهد: به منظور کاهش استفاده از مازوت و آلودگی هوای ناشی از آن در نظر است

A portrait photograph of Dr. Saeed Al-Hadi, a man with short dark hair and a beard, wearing a dark suit jacket over a light-colored shirt. He is positioned against a white background with a thin horizontal black line above his shoulders.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند

خبر

علی‌خانی با اشاره به مشارکت کامل توان داخلی در اجرای پروژه‌ها گفت: از مهندسی تا نصب و راه‌اندازی، ۱۰۰ درصد فعالیت‌ها با اتکا به توان متخصصان داخلی انجام شده است. در حوزه تأمین کالا نیز ۶۵ درصد نیازها از داخل کشور تأمین شده و تنها ۳۵ درصد شامل تجهیزات و فناوری بالا، به‌ویژه در حوزه گاز ترش، از خارج کشور وارد شده است.

● هزینه‌های سنگین نصب نیروگاه‌ها، سرمایه‌گذاران را از ادامه کار منصرف می‌کند

و وجود تمام تبلیغات درباره شرکت های انشعاب، هنوز بخش زیادی از پتل ها و تجهیزات وابسته وارداتی اند. هژبر صفری کارشناس انرژی های نو به هفت صبح می گوید: «بیشتر پتل ها از اروپا وارد می شود و هنوز تکنولوژی فوئولتائیک در داخل بومی سازی نشده است.»

هرچند که امیدوار هابی نیز وجود دارد. برای مثال، معاون برق وزیر نیرو

سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی تسهیلات، معافیت ها و مجوزهای سریع برای شرکت ها

یکی از پر تکرار ترین جملات مسئولان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، عبارت «لزوم بومی‌سازی فناوری» است. اما این عبارت اگر با حمایت واقعی همراه نشود، فقط یک تیتیر خبری باقی می‌ماند.

«بلیغاتی» باشد، مشکلات حل نمی‌شوند. نرژهای نو تنها راه برای تأمین برق پایدار، کاهش آلودگی هوا، مدیریت منابع آبی و حتی اشتغال‌زایی پایدار هستند. اما برای تحقق این وعده‌ها، باید جدی‌شان گرفت. «آینده از آن کسانی است که نور خورشید را نه فقط ببینند، بلکه به برق تبدیلش کنند.»





حرفه‌ای و قراردادهای استاندارد هستند. **« زندگی شخصی تان چطور می‌گذرد؟ فقط فوتبال یا سرگرمی‌های دیگری هم دارید؟ »** زندگی شخصی‌ام هم خوب است. بیشتر تمرکز من روی فوتبال است، چون هم شغل و هم استعداد اصلی‌ام در این حوزه است. باین حال، به‌عنوان یک انسان، علاقه‌مندی‌های شخصی و سرگرمی‌هایی هم دارم که در اوقات فراغت پیگیری‌شان می‌کنم. **« وضعیت قراردادهای فوتبال بانوان چگونه است؟ آیا می‌توان با آن آینده‌ای مطمئن ساخت؟ »** به‌هیچ‌وجه، نمی‌توان گفت که با قراردادهای فعلی، آینده‌ای مطمئن یا حتی زندگی نسبتاً رفاهی داشت. تقریباً تمام سال ما در تمرینات، اردوها و رقابت‌های لیگ می‌گذرد اما در بافتی ما بسیار اندک است. **« اختلاف در آمد میان بازیکنان زن و مرد را چطور ارزیابی می‌کنید؟ »**

واقعیت این است که ما حتی فرصت داشتن شغل دوم یا حرفه‌ای دیگر را هم نداریم اما در بافتی‌مان بسیار ناچیز است. اختلاف در آمد بین فوتبال مردان و زنان بسیار زیاد است. قراردادهای ما شاید به‌سختی به یک درصد قرارداد آقایان برسد و این موضوع جای تأمل جدی دارد.

**« بازی‌های فوتبال زنان در اروپا و جهان را دنبال می‌کنید؟ آرسنال قهرمان اروپا شد... »** به‌دلیل مشغله کاری زیاد، فرصت تماشای بازی‌ها را نداشتم، اما اخبار را به‌صورت مستمر دنبال می‌کنم. **« ۲۶ سال دارید که بهترین سن ورزشی محسوب می‌شود. هدف تان چیست و آینده خود را چگونه می‌بینید؟ »**

بله، دقیقاً در بهترین سال‌های ورزشی‌ام هستم. تمام تلاشم را می‌کنم تا بهتر از گذشته ظاهر شوم و بتوانم به پیشرفت فردی خودم و همچنین تیم ملی کمک کنم.

**« از دشواری‌های فوتبال زنان در ایران بگویید. »** زمانی که تازه فوتبال را شروع کرده بودیم، شرایط بسیار دشوارتر از امروز بود. شاید اگر فرد دیگری به‌جای ما بود، خیلی زود پا پس می‌کشید اما هدف قوی و عشقی که به فوتبال داشتیم، هیچگاه اجازه عقب‌نشینی به ما نداد. ما برای خودمان و برای تمام دختران علاقه‌مند به فوتبال جنگیدیم تا مسیر برای آیندگان هموارتر شود.

**« آیا به دختران توصیه می‌کنید که در ایران فوتبال‌بست شوند؟ »**

بله، حتماً. توصیه من این است که هر دختری باید آرزوها و اهدافش را دنبال کند و هیچگاه از تلاش دست نکشد.

## ZAHRA KHAJAVI

زهره خواجهوی، دروازه‌بان ۲۶ ساله تیم ملی فوتبال زنان ایران و عضو باشگاه خاتون بم، یکی از چهره‌های سرشناس فوتبال بانوان کشور است که مسیر حرفه‌ای‌اش با یکی از تلخ‌ترین اتفاقات زندگی‌اش گره خورد. در حادثه رانندگی تلخی که سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ رخ داد، ملیکا محمدی، بازیکن جوان فوتبال ایران، جان خود را از دست داد و زهره خواجهوی به‌همراه بهناز طاهرخانی دچار مصدومیت‌های جدی شدند. حالا پس از ماه‌ها دوری از زمین و پشت‌سر گذاشتن روزهای سخت، خواجهوی با انگیزه‌های مضاعف به فوتبال بازگشته است. او در گفت‌وگویی صمیمی، از روند درمان، بازگشت دوباره، وضعیت فوتبال زنان در ایران و رویاپیش برای آینده می‌گوید؛ گفت‌وگویی با سنگربانی که برای ایستادن دوباره، با تمام وجود جنگیده است.

**« از این روزهای تان بگویید. مشغول چه کاری هستید و وضعیت شخصی تان چگونه است؟ »**

این روزها، جدا از برنامه‌های تیم ملی، مشغول تمرینات فشرده و تخصصی هستم تا به بالاترین سطح آمادگی برسم و بتوانم عملکرد خوبی در زمین داشته باشم.

**« وضعیت تیم ملی را چطور می‌بینید؟ خودتان چقدر آماده‌اید؟ »**

خدا را شکر، شرایط خودم خوب است و تلاش‌ام را می‌کنم تا با شروع مسابقات، در بهترین وضعیت بدنی و روحی قرار داشته باشم. **« پس از یک مصدومیت به میادین بازگشتید و مجدداً به تیم ملی دعوت شدید. این مسیر چگونه طی شد؟ »**

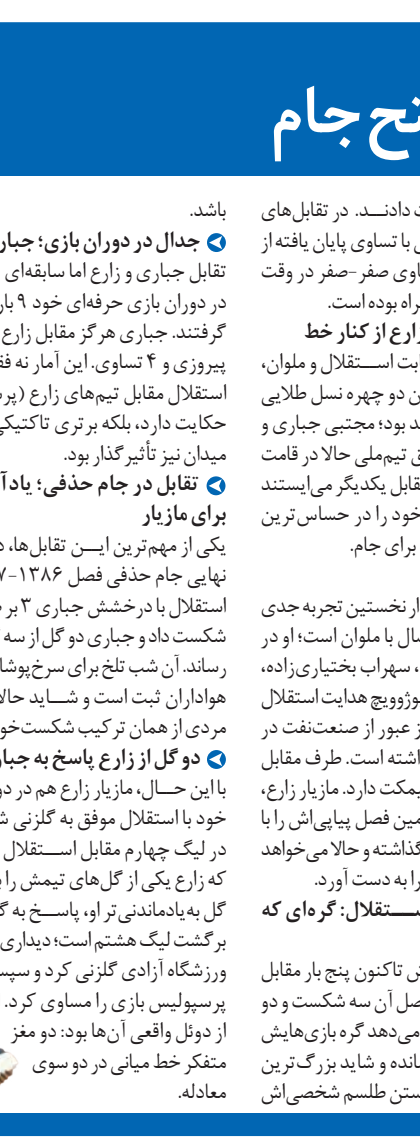
بدون شک، آن دوران یکی از سخت‌ترین و تلخ‌ترین دوره‌های زندگی‌ام بود. به‌تنهایی روزهای دشواری را پشت سر گذاشتم. از نظر من، دوام آوردن و ادامه دادن در آن شرایط، نوعی قهرمانی بود. خداوند به من لطف داشت و زندگی دوباره‌ای بخشید. من هم برای زنده ماندن و مفید بودن، همچنان تلاش می‌کنم. خوشبختانه پس از حدود هفت ماه از تصادف، دوباره به تیم ملی دعوت شدم و توانستم به مسیر قبلی‌ام بازگردم.

**« در مورد فوتبال باشگاهی و کلیت فوتبال زنان در این مقطع چه نظری دارید؟ آیا حمایت قابل توجهی از سوی فدراسیون و باشگاه‌ها صورت گرفته است؟ خوشبختانه فوتبال بانوان به تدریج در حال پیشرفت است و شرایط تیم‌ها نیز ساختارمندتر شده. فدراسیون با الزامی کردن تشکیل تیم‌های بانوان توسط باشگاه‌های مردانه، گام بزرگی در مسیر توسعه فوتبال زنان برداشته است. این موضوع سطح رقابت‌ها را هم بالاتر برده اما همچنان نیازمند حمایت‌های بیشتر در زمینه زیرساخت، امکانات**



● **من هم برای زنده ماندن و مفید بودن همچنان تلاش می‌کنم. خوشبختانه پس از حدود هفت ماه از تصادف دوباره به تیم ملی دعوت شدم و توانستم به مسیر قبلی‌ام بازگردم**

● **در حادثه تصادف، ملیکا محمدی جان باخت و زهره خواجهوی مصدومیت سختی را تجربه کرد**



رفتند. اگر مجتبی دو تا سه سال کنار چنین مربی بزرگی باشد و تجربه کسب کند، هم خودش رشد خواهد کرد و هم باشگاه برای آینده یک مربی ارزشمند خواهد داشت. این مسیر به نفع خودش هم هست. بازگشت ساپینتو در سالی که ساپینتو هدایت تیم را برعهده داشت، نتایج خوبی گرفت اما حواشی زیادی هم وجود داشت. اگر بتواند آن حواشی را کنترل کند، با رضایان عملکرد نسبتاً پائینی نسبت به سایر بازیکنان بزرگ خواهد داشت. اما مدیر تیم مدتی در ایران بوده و سال‌ها در سطح بالا بازی کرده است. او یک مربی جوان و با استعداد است که باید حفظ شود. مطمئناً خودش هم می‌داند که زمان نیاز دارد.

من اعتقاد اینم است که استقلال باید یک مربی سطح بالا و با تجربه بیابد، نه مثل مربیانی که آمدند و بدون نتیجه

معتمد بودند استقلال از نظر مهره، تیم خوبی در اختیار دارد اما مشکلات متعدد مانع بروز توانایی‌اش شد. **« چالش تیم‌های پرطرفدار »** تیم‌های پرهوراد وقتی چند بازی را از دست می‌دهند، به‌سرعت وارد بحران می‌شوند و بازیکنان نمی‌توانند توانایی واقعی‌شان را نشان دهند. استقلال هم در چنین شرایطی قرار گرفت و بیرون آمدن از این وضعیت کار سختی بود. برای بازگشت به مسیر، تیم نیاز به چند پیروزی پایایی و بازسازی اعتماد به نفس داشت تا بتواند کیفیت فنی‌اش را به نمایش بگذارد. متأسفانه هر هفته شاهد یک مشکل جدید بودیم؛ تغییرات مکرر مربی، ضعف مدیریت و... همه این عوامل دست به دست هم داد تا هواداران سال سختی را تجربه کنند.

ملوان تیم بسیار خوبی است؛ منسجم، پر تلاش و خطرناک. در بازی با گل‌گهر، عملکرد بسیار خوبی در فاز دفاعی داشت. لایه‌های دفاعی را کاملاً بسته بود و با توجه به حضور دو بازیکن سرعتی مانند عمری و جعفری، در ضدحملات بسیار خطرناک ظاهر می‌شود. خط میانی‌اش هم دوندگی بالایی دارد. در کل تیمی پر تلاش است که می‌تواند هر تیمی را با مشکل مواجه کند. امیدوارم شاهد یک بازی خوب باشیم، استقلال باید با تمرکز بالا و تمام توانش مقابل ملوان قرار بگیرد و بر این تیم غلبه کند. نکته مثبت ملوان استفاده مؤثر از ضدحملات است.

پرشانی استقلال در سال گذشته از همان ابتدای فصل، تنش‌هایی در تیم شکل گرفت؛ هم در بخش مدیریت و هم در کادر فنی. همین مسائل باعث شد، برخلاف نظر برخی کارشناسان که تیم را ضعیف می‌دانستند، استقلال نتواند از پتانسیل بازیکنان خوش استفاده کند. من از همان ابتدا

تحلیل وضعیت استقلال در آستانه فینال جام حذفی در گفت‌وگو با مجید نامجو ستاره سابق آبی‌ها

**فینال؛ آخرین امید هواداران استقلال است**

**محمد صادق تبار** | استقلال در آستانه حساس‌ترین بازی فصل قرار دارد و چشم هواداران به کسب تنها جام باقی‌مانده دوخته شده است. مجید نامجو مطلق، پیشکسوت و مربی سابق استقلال، در گفت‌وگو با «ففت صبح»، نگاهی دقیق به شرایط این روزهای استقلال انداخته است؛ از افت و خیزهای تیم در فصل پر حاشیه گرفته تا وضعیت ملوان به‌عنوان رقیب فینال، آینده مجتبی جباری روی نیمکت آبی‌ها و حتی احتمال بازگشت ساپینتو. گفت‌وگویی صریح با مربدی که با استقلال زندگی کرده و همچنان دل در گروی موفقیت این تیم دارد. حساس‌ترین بازی فصل استقلال به حساس‌ترین بازی سال رسیده است، چراکه فصل خوبی را پشت سر گذاشت و این بازی می‌تواند فرصتی باشد تا بخشی از مشکلات فصل جاری را جبران کند. امسال هواداران خیلی اذیت شدند. امیدوارم با قهرمانی در این بازی، بخشی از غم‌ها و ناراحتی‌های‌شان از بین برود و دل هواداران تا حدی به‌دست آید.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                         |                                                                                                                                                                                                                                |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>مختصر</div></div></div></div><div>دبیر حوادث؛فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه؛مهدی علیپور</div><div>دبیر صفحه آخر؛بابک نبی، دبیر بین الملل؛رامتین لطیفی، ویراستار؛فرزانه اختیاری و مریم تفسی کیلیلی</div></div> | <div>صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار</div> <div>سر دبیر:افشین امیرشاهی</div> <div>مدیر هنری و وحید غفاری، دبیر اقتصادی؛مهدی خاکی فیروز</div> <div>دبیر فرهنگ و هنر؛ عسل آذر پور، دبیر ورزش؛امید داگری نیا</div> |
| کد پستی (۹۸۸۶۴۳۵۱) شماره پیامک:۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ توزیع:دنیای اقتصاد تابان   چاپ: جام جم                                                                                                                                                                                                       | پانزشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع وقابل پیگیری قانونی است                                                                                                                           |
| اظهار صبح:۰۳۰۸   طلوع آفتاب:۰۴۰۵   آذان ظهر:۱۲:۰۱   غروب آفتاب:۱۹:۱۲   آذان مغرب:۱۹:۳۲                                                                                                                                                                                                  | pr@7sobh.com<br>www.7sobh.com                                                                                                                                                                                                  |

#### یادداشت

## طلاق؛ پایان یک پیوند، آغاز یک مسیر نو



طلاق، گرچه در زمره حلال ترین حرام‌ها شمرده می‌شسود اما در نظام حقوقی ایران نه‌تنها امری حقوقی و قضایی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی با آثار عمیق خانوادگی، روانی و اقتصادی است. قانون‌گذار ایرانی، با تأسی از فقه امامیه، ساز و کار مشخصی برای تحقق طلاق پیش‌بینی کرده تا آن فرآیند، با کمترین آسیب و بیشترین دقت انجام گیرد.

– مالی: شامل مهریه، نفقه ایام‌عده، اجرت‌المثل، شرط تنصیف دارایی، و حقوق ناشی از شروط ضمن عقد.
– فرزندان: حضانت، نفقه‌ه فرزندان، حق ملاقات و سرپرستی موضوعاتی پیچیده و حساسی هستند که باید با دقت و رعایت مصالح طفل مورد بررسی قرار گیرند.
– روانی و اجتماعی: بسیاری از زنان و مردان پس از طلاق با چالش‌های روحی، فشارهای اجتماعی و حتی محدودیت‌های اقتصادی مواجه می‌شوند که نیازمند حمایت نهادهای اجتماعی است.

#### انقسام طلاق

طلاق در حقوق ایران به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:
۱. طلاق رجعی: که در آن، مرد تا پایان عده می‌تواند به زن رجوع کند و زندگی زناشویی را از سر گیرد.
۲. طلاق بائن: که شامل طلاق‌هایی است که در آنها رجوع ممکن نیست، مانند طلاق در دوران یائسگی، طلاق سوم، با طلاق به درخواست زن با اثبات عسر و حرج.

گرچه حق طلاق در اصل با مرد است، اما زن نیز در مواردی قانونی حق در‌خواست طلاق دارد. مهم‌ترین این موارد، عسر و حرج است که در آنها رجوع زوجیت موجب عسر «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زن باشد، وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.»

مصادیق عسر و حرج می‌تواند شامل اعتیاد شدید، ضرب‌وشتم، ترک زندگی، بیماری‌های صعب‌العلاج، یا خیانت زناشویی باشد که با تشخیص دادگاه محقق می‌شود.

گرچه حق طلاق در اصل با مرد است، اما زن نیز در مواردی قانونی حق در‌خواست طلاق دارد. مهم‌ترین این موارد، عسر و حرج است که در آنها رجوع زوجیت موجب عسر «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زن باشد، وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.»
مصادیق عسر و حرج می‌تواند شامل اعتیاد شدید، ضرب‌وشتم، ترک زندگی، بیماری‌های صعب‌العلاج، یا خیانت زناشویی باشد که با تشخیص دادگاه محقق می‌شود.

### کوچه فرهنگ

## سفر به قلب جواهرات ایران دعوتی به دیدار تاریخ و خیال



گاهی کافی‌ست فقط یک‌بار از مسیر خیابان فردوسی گذر کنید تا بفهمید تهران، و‌رای شلوغی و دود و صدای بوق، گنجینه‌ای از شگفتی‌ها دارد را خود نرفته‌اند. کافی‌ست نگاهتان را از کف پیدمروها بردارید و به ساختمان قدیمی و مجلی‌که در نبش کوچه‌بانک مرکزی جا خوش کرده، خیره شوید؛ جایی که رازهایی نهفته در دل تاریخ را نگهدایی می‌کند. حالا پس از ماه‌ها انتظار، «خزانه جواهرات ملی» دوباره آغوشش را به روی مشتاقان فرهنگ و هنر و ماجراجویان تاریخ گشوده‌است.

ببایید صاف باشیم؛ چند نفر از ما تا امروز از کنار این ساختمان گذشتیم اما حتی یک‌بار هم وسوسه نشدید که وارد شویم و ببینیم پشت این دیوارهای سنگین چه رازی پنهان شده؟ حالا این فرصت دست داده تا همگی، چه عاشق تاریخ باشیم، چه شیفته زیبایی، چه فقط کنجکاو، مهمان یکی از منحصر به‌فردترین گنجینه‌های جهان شویم؛ جایی که هزاران قطعه جواهر، هر کدام با قصه‌ای شگفت‌انگیز، ما را به دل تاریخ ایران می‌برند. وقتی قدم به خزانه می‌گذارید، هوای خنک سالن، نور کم و سکوتی باشکوه، شما را احاطه می‌کند. اینجا همه چیز طوری چیده شده که سنگینی زمان و عظمت آنچه می‌بینید را با تمام وجود لمس کنید. به‌وترین نزدیک می‌شوید؛ الماس دربی نور با رنگ صورتی خاصش، چنان می‌درخشد که انگار قلبی زنده میان شیشه می‌تپد. تاج شاهان قاجار، با ظرافتی که باورش دشوار است، نشانی‌است از ذوق و دستان هنرمند ایرانی. تخت طاووس، این تخت افسانه‌ای، با آن بال‌های زرین، درست پیش روی شماست؛ صرفانه یک شیء، که روایتی از روزگار قدرت و رؤیا و سقوط. اما راز این جواهرات فقط در برق وزیبایی‌شان نیست. هر سنگ، هر قطعه زر، هر یاقوت و زمرد، ردپای حوادث تلخ و شیرین این سرزمین را با خود دارد؛ داستان جنگ و آشتی، غرور و عشق، هنر و حتی دسیسه. می‌شود سساعت هافقط ایستاد و خیال‌بافی کرد که این جواهر، روزی بر پیشانی کدام ملکه نشسته؟ یا آن سینه‌ریز، در مهمانی کدام شب تاریخی برق زده‌است؟

خزانه جواهرات ملی، واقع در میدان امام خمینی (ره)، خیابان فردوسی، نرسیده به چهارراه استانبول، از روز شنبه ۱۰ خرداد ماه هر هفته شنبه تا سه‌شنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ میزبان شماست. این فرصتی است برای مکث؛ برای دیدن، شگفت‌زده شدن و پیوند خوردن با گذشته‌مان. اگر اهل سفر به اعماق تاریخ و خیال هستید، این فرصت استثنایی را از دست ندهید. برای جزئیات بیشتر و پرسش‌های احتمالی، به سایت بانک مرکزی سری بزنید و خودتان را برای یک دیدار رؤیایی آماده کنید.

شاید این بار، خاطره عبور از خیابان فردوسی برای همیشه در ذهن‌تان رنگ دیگری بگیرد.



بیش از ۱۰۰ هزار دنبال‌کننده‌اش، روش‌های ساده زنده ماندن در جنگ را یاد می‌داد: از پختن غذا بدون گاز تا ساختن لحظات کوچک شادی میان ویرانه‌ها. روزی نوشته بود: «سعی می‌کنم کمی شادی برای بچه‌های دیگر بیارم تا شاید جنگ را فراموش کنند». اما چند روز پیش، همه چیز برای همیشه تغییر کرد. آسمان، باز هم بر دیوارهای خانه‌شان آتش ریخت و صدای انفجار، آخرین آواز کودکانه یقین شد. در باراکه، جایی میان خرابه‌های دیرالبح، پیکری جانش از زیر آوار بیرون کشیده شد؛ تکه‌تکه اما هنوز نشانه‌هایی از لبخند در صورت‌ش باقی بود؛ گویی جنگ هم نتوانسته بود امید را از وجودش بیرون بکشد.

خبر مرگ یقین مثل موجی تلخ و خاموش، در شبکه‌های اجتماعی پیچید و آشک‌از چشمان هزاران نفر جاری شد. یکی از دنبال‌کنندگان‌ش نوشت: «باید در مدرسه می‌بود، بچگی می‌کرد؛ اما او در اینستاگرام فعال بود و به دیگران کمک می‌کرد. هیچ واژه‌ای کافی نیست.»

یقین و برادرش محمد، مثل دو فرشته بی‌بال، در کمپ‌ها و پناهگاه‌ها می‌چرخیدند و برای بچه‌های آواره غذا، اسباب‌بازی و لباس می‌دادند. او حتی در آخرین پست‌هایش، از پخش لباس نو برای یتیمان غزه نوشته

بیش از ۱۰۰ هزار دنبال‌کننده‌اش، روش‌های ساده زنده ماندن در جنگ را یاد می‌داد: از پختن غذا بدون گاز تا ساختن لحظات کوچک شادی میان ویرانه‌ها. روزی نوشته بود: «سعی می‌کنم کمی شادی برای بچه‌های دیگر بیارم تا شاید جنگ را فراموش کنند». اما چند روز پیش، همه چیز برای همیشه تغییر کرد. آسمان، باز هم بر دیوارهای خانه‌شان آتش ریخت و صدای انفجار، آخرین آواز کودکانه یقین شد. در باراکه، جایی میان خرابه‌های دیرالبح، پیکری جانش از زیر آوار بیرون کشیده شد؛ تکه‌تکه اما هنوز نشانه‌هایی از لبخند در صورت‌ش باقی بود؛ گویی جنگ هم نتوانسته بود امید را از وجودش بیرون بکشد.

## روزی که سقف دنیا را جشن می‌گیریم

نبرد با ساد‌های جهنمی و تحمل کمبود اکسیژن، تنها گوشه‌ای از خطرات این سفر اسطوره‌ای است.

شاید برای خیلی‌ها هفت‌ا‌ورست یک رؤیاست که هیچگاه محقق نمی‌شود اما برای کسانی که تا قله می‌روند، این صعود صرفاً مبارزه با کوه نیست، جدالی عمیق با محدودیت‌های خودشان است. هر ساله هزاران نفر تلاش می‌کنند تا نام‌شان را در فهرست فاتحان اورست ثبت کنند اما تنها عده‌ای به سقف دنیا می‌رسند و شماری هم هیچگاه باز نمی‌گردند. اورست به ما یادآوری می‌کند که غرور انسان، اگرچه بلندبر است اما در برابر طبیعت، باید فروتن باشد. روز جهانی اورست، روز بزرگداشت این تلاش‌های انسانی است.

هر ساله در ۲۹ می، چشم‌ها به سوی بلندترین قله زمین دوخته می‌شود؛ جایی که آسمان به زمین نزدیک‌تر است و انسان، جسارت رؤیاپردازی‌اش را به رخ عالم می‌کشد. روز جهانی اورست فقط یک مناسبت تقویمی نیست، این روز قصه بی‌پایان شجاعت و پایداری انسان است. روزی است که به یاد صعود تاریخی سر آدموند هیلاری و تنزینگ نورگی شریا در سال ۱۹۵۳، بلندترین آرزوی بشر را گرامی می‌داریم؛ صعود به اورست.

اورست فقط یک کوه نیست؛ یک اسطوره زنده‌است. نامی که هر کوهنورد، چه آماتور و چه حرفه‌ای، زیر لب زمزمه‌اش می‌کند و شب‌ها با رؤیای فتحش به خواب می‌رود اما حقیقت اورست فراتر از کوردر و شهرت است. صعود به این قله، مرز ست‌میان زندگی و مرگ، جایی‌که هر قدم، به پهای زحمت، خطر و شجاعت تمام می‌شود. ارتفاع اورست، حدود ۸۸۴۸ متر است؛ رقمی که حتی با دیدنش، نفس آدم بند می‌آید. کوهی که مرز نپال و چین آرمیده و دل در گرو عظمت هیمالیا دارد. دو مسیر اصلی برای صعود به اورست وجود دارد: مسیر استاندارد از جنوب شرقی نپال و مسیر شمالی از تبت. هر دو راه، جاده‌های صبر و مرگ‌اند؛ عبور از یخچال خوفناک خومبو،

### عکس روز



در حیات با شکوه کاخ گلستان، سربازان جوان، یک روز بهاری را کنار حوض کاشی‌های رنگارنگ تاریخی سپری می‌کنند. هر کدام غرق در دنیای خود، برخی مشغول گفت‌وگو، بعضی در سکوت و عده‌ای سرگرم دوربین و عکاسی و ثبت خاطرات اما همه در حصار زیبایی و آرامش میراثی کهن جمع شده‌اند. این عکس، لحظه‌ای کوتاه از روزمرگی سربازانی را ثبت کرده که زیر سایه تاریخ و هنر ایرانی، اندکی از سنگینی خدمت فاصله گرفته‌اند.

عکاس: محبوبه کلانتری

### الهه کاکایی

گاهی جهان آنقدر کوچک می‌شود که تمام امیدش، لبخندی بر صورت کودکی ۱۱ساله است؛ کودکی به نام «یقین حماد» که با همه کوچکی‌اش، بزرگ‌ترین پیام‌آور شادی برای هزاران کودک در غزه بود اما حالا، دیگر لبخند روشنی نیست؛ صدایش خاموش شده و دستان کوچکش، زیر تلی از آوار و سنگینی جنگ جا مانده‌است.

در سرزمینی که آسمانش مدام با غرش جنگنده‌ها می‌لرزد و زمینش دیگر بوی کودکی نمی‌دهد، یقین حماد به پدیده‌ای نادر بدل شده بوده؛ او جان‌رستای و شجاعت را معنا می‌کرد و هر روز با صدایی رسا و دلنشین، با چشمانی پر نور و امید، به بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها یاد می‌داد که چطور در دل جنگ، زنده بمانند و لبخند را فراموش نکنند.

یقین کوچک‌ترین اینفلوئنسر غزه بود؛ ۱۱ سال بیشتر نداشت اما دلش به وسعت همه سرزمین‌هایی بود که هیچگاه رنگ آرامش را ندیده‌اند. در اینستاگرامش، به

## به مناسبت روز جهانی اورست؛ ادای احترام به انسان، طبیعت و رؤیاها

### بابک نبی

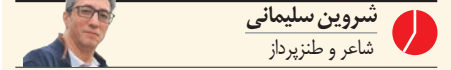
دبیر صفحه آخر

هر ساله در ۲۹ می، چشم‌ها به سوی بلندترین قله زمین دوخته می‌شود؛ جایی که آسمان به زمین نزدیک‌تر است و انسان، جسارت رؤیاپردازی‌اش را به رخ عالم می‌کشد. روز جهانی اورست فقط یک مناسبت تقویمی نیست، این روز قصه بی‌پایان شجاعت و پایداری انسان است. روزی است که به یاد صعود تاریخی سر آدموند هیلاری و تنزینگ نورگی شریا در سال ۱۹۵۳، بلندترین آرزوی بشر را گرامی می‌داریم؛ صعود به اورست.

اورست فقط یک کوه نیست؛ یک اسطوره زنده‌است. نامی که هر کوهنورد، چه آماتور و چه حرفه‌ای، زیر لب زمزمه‌اش می‌کند و شب‌ها با رؤیای فتحش به خواب می‌رود اما حقیقت اورست فراتر از کوردر و شهرت است. صعود به این قله، مرز ست‌میان زندگی و مرگ، جایی‌که هر قدم، به پهای زحمت، خطر و شجاعت تمام می‌شود. ارتفاع اورست، حدود ۸۸۴۸ متر است؛ رقمی که حتی با دیدنش، نفس آدم بند می‌آید. کوهی که مرز نپال و چین آرمیده و دل در گرو عظمت هیمالیا دارد. دو مسیر اصلی برای صعود به اورست وجود دارد: مسیر استاندارد از جنوب شرقی نپال و مسیر شمالی از تبت. هر دو راه، جاده‌های صبر و مرگ‌اند؛ عبور از یخچال خوفناک خومبو،

#### اینم په جور شه

## داغ بستنی!

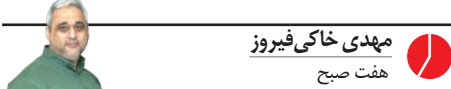


جمعه غروب خانم گیر داد که شام برویم بیرون پیژنا بخوریم؛ سسه روز تا آخر برج مانده بود و از لحاظ مالی در برههٔ نفسگیری به سر می‌بردم و سعی می‌کردم تا از هر گونه خرج اضافه پرهیز کنم؛ در راه با هزار ترنند راضی‌اش کردم تا به جای پیژنا برویم بستنی بخوریم. با دلخوری قبول کرد. به بستنی فروشی معروفی رفتم و یک میز دونفره گرفتم و سفارش بستنی سنتی دادیم. من هم ولخرجی کردم و نوع مغز بستنه‌ای‌اش را سفارش دادم؛ قاشق اول را که در دهانم گذاشتم دیدم یک نفر از آنور سالن برایم دست تکان می‌دهد. شناختمش. آقای سیف همکار سابق‌مان بود که دو سالی بود به ادارهٔ کل منتقل شده بود و خبری ازش نداشتم. من هم لبخندی زدم و دست تکان دادم. بعد از چند دقیقه شرایط بحرانی یکی از آسمان بیفتند و پول بستنی‌ام را گردن دیدم که با خامش مقابل صندوق ایستاده‌اند. قبل از اینکه حساب کند کارت‌ش را بالا برد و با صدای بلند گفت: سلیمانی جان من حساب می‌کنم. من که هنوز وسط بستنی خوردن بودم با دیدن این صحنه مثل برق‌گرفته‌ها از جا پریدم و از لابه‌لای میزها به سمت صندوق دویدم تا مثلاً اجازه ندهم او حساب کند. صادقانه بگویم بدم هم نمی‌آمد که در این شرایط بخورانی یکی از آسمان بیفتند و پول بستنی‌ام را گردن بگیرد؛ همانطور که داشتم با دست راستم با آقای سیف دست می‌دادم و هم‌زمان با خامش هم سلام و علیک می‌کردم، با دست چپم کارت را تو ی چشم صندوقدار کردم که مثلاً من خیلی مشتاقم تا حساب کنم؛ پیش خودم گفتم: حالا دو بستنی بشود چهار تا به جای برنمی‌خورد، عوضش آقای سیف تو ی اداره کل است و اگر کارم به آنجا بیفتد می‌توانم روی کمکش حساب کنم. خلاصه صندوقدار کارت من را گرفت و کشید و فیشش را داد. من که همیشه فیش‌ها را به دقت بررسی می‌کنم تا یک وقت تو ی پاچه‌ام نرود، در آن گیر دار فیش را تو ی جیبم چپاندم و چند دقیقهٔ دیگر به خوش و بشی کردن با سیف گذراندم و در نهایت آنها را تا در خروجی بدرقه کردم و برگشتم سر میزم. خانمم هم از دور شاهد این ماجرا بود؛ وقتی برگشتم دیدم بستنی‌ام آب شده و دیگر خوردن ندارد. گوش‌ام را برداشتم و با دیدن پیامک بانکی بروی سفاز از چند نقطه‌ام پرید. مگر می‌شود چهار تا بستنی بشود یک و چارصد؟! حتماً اشتباهی شده بود. رفتم سروقت صندوقدار. گفتم: ظاهراً اشتباه شده، چهار تا بستنی را یک و چارصد کارت کشیدید. طرف با خونسردی گفت: تخیر اشتباه نشده، آن آقای که مهمانش کردید علاوه بر دو تا بستنی، سه کیلو بستنی زعفرانی مغز بستنه‌ای هم خرید داشتند!! این هم لیست صورتحساب؛ کاردم می‌زدی خونم در نمی‌آمد. یکهو باید افتاد این سیف لعنتی قسط‌های خودش را هم نمی‌داد و همکارانی را هم که ضامن وام‌هایش بودند حسابی به دردرس انداخته بود. اما دیگر کار از کار گذشته بود!

برای خوردن دو تا بستنی پول دو تا پیژنای تیل را اخ کرده بودم، به‌ماندهٔ حسابم به فنا رفته بود، خانمم با نبش و کنایه نمک به زخمم می‌پاشید و سهم من از این ماجرا فقط یک نصف بستنی کوفتی بود!

## یک دقیقه زندگی

### چرا مادرها هنوز غدار در ظرف ماست می‌فرستند؟



مهدی خاکی فیروز

هفت صبح

هیچ ظرفی در تاریخ زندگی ایرانی‌ها به اندازه ظرف خالی ماست، خاطرساز نبوده نیست. از همان ظرف‌های پلاستیکی پر از چربی که اسم شرکت لبنیاتی‌اش با سیم ظرفشویی محو شده، تا آنهایی که با وسوسا با آب‌جوش شسته شده‌اند تا بوی خورش سبزی با تمامانده ماست مخلوط نشود. ظرف ماست، در خانه ایرانی‌ها فقط ظرف نیست. خاطره است، سنت است، زبان بی‌کلام مهر است.

مادرها هنوز غذا را در ظرف ماست می‌فرستند، چون این ظرف‌ها از قوانین بشقاب‌های مجلسی پیروی نمی‌کنند. فقط ظرف ماست حق اعتراض ندارد. نه غر می‌زند که چرا دوباره آش رشته یا شله‌زرد ریختی تو ی من! نه لپه‌اش طلایی است که بخواهی نگران لب‌پریدی‌اش باشی. او آمده که برود. به خانه خواهر، همسایه، پسر مجرد یا پدر بزرگی که دیگر مادر بزرگ کدبانو را کنار خود ندارد. گاهی می‌پرسیم، مگر چند تا ظرف در دراز مناسب در کابینت نیست؟ چرا از آنها استفاده نمی‌کنی مادر جان؟ او با نگاهی مطمئن می‌گوید: «چون اینها اگر برگردد، دلم می‌سوزد!» و این جمله رمز ماجراست. ظرف ماست فلسفه دارد؛ در ظرفی برای بخشیدن یه توفع، ارسال بی‌اضطراب بازگشت.

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به «ظروف بازگشتی» بیشتر از «عشق‌های بازگشتی» باور داریم. تا آنجا که رسم شده با غذا، شیرینی، دسر یا حتی دو تا قاشق سالاد کلم، ظرف بفرستی و بعد، ظرف مقابل موظف باشد ظرفش را با چیز دیگری پس بفرستد. ظرف خالی، بی‌احترامی است؛ انگار دست خالی به خانه کسی رفته‌ای. اینجاست که ظرف ماست وارد بازی می‌شود. قهرمان بی‌ادعایی که چرخ‌های از مهریانی بی‌پایان را می‌چرخاند.

ظرف ماست، خاطره کودکی هم هست. همان ظرف‌هایی که باقیمانده آش نذری، ته‌دیک و قیمه یا چند قاشق اضافه لوبیادلو را با آنها به خانه می‌آوردیم و بعد مادر، با لبخندی از پشت در آشپزخانه می‌پرسید: «دوباره چی آوردی؟» و ما می‌گفتیم: «اش خاله سهیلا است... خوشمزه است و نمی‌شد بی خیالش شد.»

مگر می‌شود از ظرف ماست گفت و یاد لیست‌های عجیب و غریب کنار یخچال نیتفاد؟ «ظرف مامان رایبه - قرمه سبزی»، «ظرف مهناب خانم - کیک هویج»، «ظرف سمیه - ترشی». . . فهرستی که انگار صندوق امانات مهربانی‌ست، تا مبدا د ظرفی در این چرخه عشق جا بماند.

حالا که زندگی دارد مدرن می‌شود، ظرف‌های شیشه‌ای، پیر کس‌های لاکچری و جعبه‌های غذای لیمون آمده‌اند، هنوز مادر‌ها می‌دانند که هیچ کدام از اینها حس ظرف ماست را ندارند. هیچ کدامشان «خورش قورمه» را آنطور در آغوش نمی‌گیرند که بشود برد در خانه همسایه و با لبخند گفت: «هنوز داغه، مواظب باش!»

در جهانی که سرعت همه چیز را بلعیده، ظرف ماست همچنان آرام، ساده و وسور است. نماد فرهنگ بخشش بی‌تشریفات، مهربانی بی‌منت و یادآوری نسلی است که مهر را در همین چیزهای ساده می‌ریخت و مطمئن بود راهش را پیدا می‌کند. حتی اگر با در قرمز، بدنه نیمه‌کدر و اثر انگشت مادر همراه باشد.